

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما میتونید با مراجعه به Google Play نرم افزار Skytravels و با مراجعه به App Store نرم افزار Skytravellers را دانلود نمایید.

020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



یادداشت روز ص ۲

فصل برادری و بردباری با طالبان پایان یافت؟

حمله‌ی مرگبار طالبان بر قلب شهر کابل، این امیدواری را افزایش داده است که فصل برادری و بردباری با تروریستان طالب به پایان برسد. طالبان تا کنون برای دو رئیس‌جمهور افغانستان (حامد کرزی و اشرف غنی) تروریست نیستند. حتا حمله‌ی مرگبار هفته‌ی گذشته‌ی طالبان بر ریاست دهم امنیت ملی نیز باعث نشد که اشرف غنی در واکنش به آن طالبان را تروریست خطاب کند. او از تروریست نام برد، اما نگفت که طالبان تروریست. واژگانی که رئیس‌جمهور پیشین حامد کرزی و رئیس‌جمهور غنی برای طالبان به کار برده‌اند...



نامه‌ی دیدبان حقوق بشر به رئیس‌جمهور غنی:

فرهنگ معافیت از مجازات در افغانستان پایان یابد

سازمان دیدبان حقوق بشر مستقر در نیویورک با ارسال نامه‌ی به رئیس‌جمهور غنی معافیت از مجازات در کشور را خشونت حقوق بشری خوانده و با توجه به قوانین بین‌المللی خواستار پایان دادن به این نوع مصونیت شده است.

صفحه ۲

نفرت و خشم کور است

چشم‌بینایی باید می‌دانم خشم و نفرتی ناشی از حادثه‌ی خونبار ۳۱ حمل در حواشی پل محمودخان کابل، به حق، برای مردمی که سال‌های سال داغ فیزیکی و روانی این گونه حوادث را دیده‌اند...

صفحه ۳

سپتامبر، آزمون حیات

برای افغانستان روز سه‌شنبه، ۱۹ اپریل، طالبان نخستین حمله‌ی مرگبار از حملات بهاری خود را انجام دادند، که منجر به کشته‌شدن بیش از ۲۰ فرد و زخمی شدن بیش از ۳۲۰ تن در اثر انفجار یک کامیون... صفحه ۴



خدمات مشتریان

+93(0)790071333 +93(0)777071333
+93(0)786071333 +93(0)700071333
kabul@fianiana.com
Skype:ariana.afghan.airlines

داریانا افغان هوایی شرکت جهت عرضه خدمات بهتر هوایی و ایجاد سهولت به هموطنان عزیز تخفیف‌های ویژه را در قیمت تکت قرار ذیل ارائه نموده است.

- 30% تخفیف برای دیپلمات‌های محترم
- 20% تخفیف برای کارمندان محترم دولت
- 25% تخفیف برای محصلین گرامی
- 20% تخفیف برای ورزش کاران پرافتخار کمیته ملی المپیک
- 20% تخفیف برای معلولین و معیوبین کشور

سرک، زمینه‌ی برای رشد اقتصاد مردم روستا

دهکده بلورسنگ در ولسوالی مالستان ولایت غزنی موقعیت دارد. این قریه دارای (۵۳۰) فامیل بوده و به که اکثریت اهالی آن از طریق زراعت و مالداري و بعضاً درایوری و شغل آزاد، امرار زندگی می‌کنند. قبل از پوشش برنامه همبستگی ملی، اهالی روستای بلورسنگ از ناحیه نبود سرک با دشواری‌های زیادی مواجه بودند زیرا نسبت موقعیت کوهستانی قریه و فراز و فرود راه‌های آن، عبور و مرور و انتقالات محصولات مردم به رکود مواجه بود. در واقع نداشتن راه مواصلاتی مناسب، همیشه منجیث یک مشکل عمده در تمام فصول سال مخصوصاً در زمستان برای مردم مطرح بود.

بعد از ایجاد شورای انکشافی متشکل از زنان و مردان قریه به همکاری برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، روستای بلورسنگ تا حد زیادی از این مشکل عمده و حیاتی رهایی یافته و مردم توانمندی آنرا یافتند که بسیاری از مشکلات خویش را موفقانه حل و فصل نمایند. شورای انکشافی قریه بلورسنگ با اولویت بخشیدن به پروژه احداث سرک که نیاز اساسی و حیاتی مردم بود، اقدام به تطبیق آن در عمل گردیدند. بدین گونه آنان توانستند سرک دهاتی خویش را به طول (۷۵۰۰) متر که قریه را با ولسوالی و مرکز ولایت وصل نمود، ایجاد نمایند.

خیرالله یکتن از اهالی قریه در این زمینه ابراز می‌دارد: "قبلاً در قریه ما اصلاً سرک نبود، رفت آمد وجود نداشت. مردم بسیار به مشکلات مریض خود را بالای شانه یا مرکب با قبول خطرهای زیاد به کلینیک انتقال می‌دادند که بد بختانه، چند نفر در همین راه جان خود را از دست دادند. الحمدلله اکنون به برکت برنامه همبستگی ملی، تمام مواد ضروری خویش را توسط موتر به خانه انتقال داده می‌توانیم. همچنان از طرف بنیاد خیریه قریه، یک عراده موتر فلائینگ کوچ هم در این سرک رفت و آمد می‌کند و یک تعداد دختر خانم‌ها و بچه‌های قریه را به مکتب و دارالمعلمین، تا مرکز ولایت انتقال می‌دهد."

قابل ذکر است که با ایجاد شورای انکشافی قریه بلورسنگ، برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، مبلغ (۳۰۰۰۰۰۰) افغانی در این پروژه هزینه نموده است در حالی که سهم مردم قریه نیز بیشتر از (۳۰۰۰۰۰) بوده و به‌طورعموم، به تعداد (۱۹۲۸) نفر از اهالی قریه از مزایای این سرک مستفید گردیده‌اند.

محمد تقی یکی دیگر از اهالی قریه می‌گوید: "قبلاً زمانی که در قریه ما سرک وجود نداشت، بیشتر محصولات زراعتی و میوه‌های ما نسبت نرسیدن به موقع به بازار، گندیده می‌شد. حاصلات میوه قریه ما اکثر زردآلو و انگور است که انتقال آن به بازار احتیاط به کاردارد، ولی ما بخاطر نداشتن همین سرک مقدار زیاد آنرا از دست می‌دادیم و از نگاه اقتصادی بسیار ضرر می‌کردیم. مگر حالا بخاطر داشتن سرک، می‌توانیم به آسانی میوه خود را توسط موتر به بازار برده به فروش برسانیم. همین امسال از برکت سرک توانستیم چند برابر قیمت سال‌های پیش از فروش محصولات خود، فایده بدست بیاوریم."

اداره اطلاعات عامه برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات





شنبه
۴ ثور
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۰۵۱



یادداشت روز

فصل برادری و بردباری با طالبان پایان یافت؟

کله ذکی دریابی

حمله‌ی مرگ‌بار طالبان بر قلب شهر کابل، این امیدواری را افزایش داده است که فصل برادری و بردباری با تروریستان طالب به‌پایان برسد. طالبان تا کنون برای دو رییس‌جمهور افغانستان (حامد کرزی و اشرف‌غنی) تروریست نیستند. حتا حمله‌ی مرگ‌بار هفته‌ی گذشته‌ی طالبان بر ریاست دهم امنیت ملی نیز باعث نشد که اشرف‌غنی در واکنش به آن طالبان را تروریست خطاب کند. او از تروریست نام برد، اما نگفت که طالبان تروریست.

واژگانی که رییس‌جمهور پیشین حامد کرزی و رییس‌جمهور غنی برای طالبان به‌کار برده‌اند، با انتقادات فراوان مردم افغانستان پاسخ داده شده است. در حالی‌که کرزی همواره طالبان را «برادر» خواند و اشرف‌غنی از آنان به‌عنوان «مخالفان سیاسی» نام بُرد، مردم اما طالبان را تروریست می‌دانند و بردباری و برادری با آن‌ها را اشتباه و ظلم در برابر مردم افغانستان می‌پندارند. مردم انتظار دارند طالبان تروریست نیز تروریست خوانده شوند و حکومت با آنان بجنگد، کرزی و غنی اما نگاه دیگر نسبت به رویارویی با طالبان دارند. آن‌گونه‌که هردو رییس‌جمهور طالبان را تروریست نمی‌دانند، در جنگ با طالبان نیز تأمل بسیار دارند. توجیه و استدلالی که کرزی و غنی در چند سال گذشته در پاسخ به انتقادات مردم، رسانه‌ها و سیاستمداران کرده‌اند، همین یک جمله‌ی تکراری است که سخن‌گوی شورای امنیت در تازه‌ترین اظهاراتش ابراز داشته است: «ما لازم دانستیم که به‌خاطر پایان دادن به جنگ از راه صلح و مفاهمه با دشمن خود به نتیجه برسیم».

در حالی‌که استدلال دو رییس‌جمهور برای تداوم تلاش‌های صلح‌جویانه یکسان و بی‌پایان است، طالبان نیز ملی‌متری از خواسته‌ها و رفتار جنگجویانه‌ی‌شان نکاسته‌اند: جنگ و جنگ. انتحار و انفجار، خشونت و قتل. یک‌ونیم سال از تلاش‌های صلح‌جویانه‌ی حکومت وحدت ملی با طالبان گذشت. طالبان اما پس از خوش‌بینی‌های حکومت به فیصله و تعهدات چهار نشست چهارجانبه، هفته‌ی گذشته با یکی از قدرتمندترین حملات تروریستی، پاسخ روشن و ناامیدکننده‌یی به حکومت افغانستان داد: همیشه جنگ و همواره انتحار.

هرچند که ادبیات مسئولان حکومت پس از حمله تغییر اندکی داشته است، اما تعهد رسمی و اعلام شده‌یی از تغییر پالیسی حکومت در برابر طالبان تروریست، هنوز اعلام نشده است. در حالی‌که سخن‌گویان حکومت به رسانه‌ها اعلام می‌کنند که پالیسی ما تغییر کرده است و «جنگ را با جنگ پاسخ می‌دهیم»؛ شورای عالی صلح و رییس‌جمهور هنوز از طالبان برای صلح دعوت می‌کنند و حکومت انتظار برگزاری دور پنجم نشست گروه هماهنگی چهارجانبه را دارد.

موضع‌گیری‌های دوگانه‌ی حکومت پس از حمله‌ی انتحاری طالبان بر ریاست محافظت از رجال برجسته نشان می‌دهد که هیچ تغییری درپالیسی حکومت در قبال پاکستان به‌وجود نیامده است. موضع‌گیری تندوتیز سخن‌گویان حکومت صرفاً به این منظور ابراز می‌شودکه از میزان انتقادات گسترده‌ی مردم بر حکومت کاسته شود و این سؤال که چرا طالبان را تروریست نمی‌دانید و اراده‌یی برای کشتار آنان ندارید، بیش از این جدی و مسأله‌ی ملی نشود. اگر چنین نباشد و پالیسی حکومت به معنای واقعی تغییر کرده باشد، حکومت نیاز به اعلام رسمی و قدرتمند این تغییر دارد که در یک برنامه‌ی رسمی رییس‌جمهور افغانستان اعلام کند که: طالبان تروریست‌اند، و تروریست را دنبال کنید، با آنان بجنگید و بر مواضع‌شان حمله کنید. اگر پالیسی حکومت در قبال طالبان از صلح به جنگ و از دفاع به حمله و از گذشت و بردباری به تعقیب و پی‌گیری آنان تغییر کرده باشد، اعلام این تغییر از زبان بی‌روح و از چهره‌های تکراری و جوان سخن‌گویان، جز این‌که این باور را همچنان زنده نگهدارد که حکومت این بار هم دروغ می‌گوید، تغییر واقعی را در قبال رفتار نیروهای امنیتی ما با طالبان و نگاه مردم به حکومت ایجاد نخواهد کرد.

مردم می‌خواهند اطمینان کنند که رییس‌جمهور این دستور را صادر کرده است که تروریست را بشکشد و بر مواضع آنان حمله کنید. نیروهای امنیتی منتظرند که در سراسر افغانستان دستور دریافت کنند که اولویت مسئولیت‌تان حمله بر تروریستان است. چنین تغییری اگر واقعی است، چرا با یک برنامه‌ی بزرگ و ملی رسماً اعلام نمی‌شود یا نشود؟

نامه‌ی دیدبان حقوق بشر به رییس‌جمهور غنی: فرهنگ معافیت از مجازات در افغانستان پایان یابد

اطلاعات روز: سازمان دیدبان حقوق بشر مستقر در نیویورک با ارسال نامه‌یی به رییس‌جمهور غنی معافیت از مجازات در کشور را خشونت حقوق بشری خوانده و با توجه به قوانین بین‌المللی خواستار پایان دادن به این نوع مصئونیت شده است.

این نامه روز پنج‌شنبه، ۲ ثور، توسط این نهاد نشر شده و در آن آمده است که بخشودگی یک فرهنگ نافذ در افغانستان است که از گذشته‌های دور در این کشور رواج داشته است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، دیدبان حقوق بشر افزوده که افغانستان باید با نقطه‌ی پایان گذاشتن به این فرهنگ زمینه‌ی کار دیوان بین‌المللی کیفری را در این کشور فراهم کند.

بیش از یک دهه خشونت در افغانستان، هنوز هم دیده می‌شود که شهروندان کشور از نقض حقوق بشر که توسط گروه طالبان، سایر مخالفان و همچنین نیروهای نظامی مربوط به مقامات دولتی انجام می‌شود، رنج می‌برد.

با این وصف، سازمان دیدبان حقوق بشر گفته است عاملان این خشونت‌ها به‌ندرت به سزای اعمال‌شان می‌رسند و قربانیان نیز تاکنون به حق‌شان نرسیده‌اند. این سازمان افزوده که گروه طالبان و سایر نیروهای مخالف دولت به‌صورت واضح حقوق بین‌الملل را نقض می‌کنند.

این نهاد همچنان گفته است که همین افراد قدرتمند و شماری از مقامات دولتی که به‌دلیل مصئونیت‌هایی که بعد از سال ۲۰۰۱ ایجاد شده‌است، مجازات نشده‌اند، زمانی که دولت قبلی قدرت مقابله با این فرماندهان قدرتمند، جنگ سالاران و شبه‌نظامیان را نداشت.

این نهاد حقوق بشری در نامه‌اش یادآور شده که این یک واقعیت است که توسعه‌ی اداری در افغانستان یکی از راه‌های ثبات است که شامل توسعه‌ی حاکمیت قانون، نیروهای مسلح و سیستم قضایی است. به‌نوشته‌ی این سازمان حل مشکل مصئونیت



معاون سخن‌گوی رییس‌جمهور:

شبکه‌ی حقانی حمله‌ی روز سه‌شنبه را طراحی کرده است

اطلاعات روز: دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری می‌گوید حمله‌ی مرگ‌بار روز سه‌شنبه کابل در پاکستان طراحی شده بود. او به رادیو آزادی گفته است معلومات ابتدایی نشان می‌دهد که آن‌هایی که این حمله را انجام دادند، اعضای شبکه‌ی حقانی بوده‌اند.

صبح روز سه‌شنبه یک حمله‌ی انتحاری ریاست ده امنیت ملی که وظیفه‌ی محافظت از رجال برجسته را بر عهده دارد، در حوزه‌ی اول امنیتی پولیس کابل را هدف قرار داد که در آن ۶۴ کشته و ۳۴۷ تن دیگر زخمی شدند.

حمله‌ی مرگ‌بار روز سه‌شنبه، بی‌پیشینه‌ترین حمله در طی چند سال اخیر در افغانستان بود و در پیوند به این حمله رییس‌جمهور غنی خطاب به طالبان گفت که ما اراده‌ی کشتار شما را نداشتیم، شما ما را مجبور



استفاده از هواپیماهایی بدون سرنشین کشفی

علیه طالبان مؤثر واقع شده است

اطلاعات روز: مقام‌ها در وزارت دفاع می‌گویند که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین کشفی که اخیراً در اختیار نیروهای هوایی کشور قرار داده شده، در مبارزه علیه طالبان مؤثر واقع شده است. دولت‌وزیری، سخن‌گوی وزارت دفاع گفته است «در مبارزه علیه مخالفین مسلح دولت از این طیاره‌ها استفاده شده که نتیجه‌ی مؤثر نیز داشته است.» آقای وزیر ی به رادیو آزادی گفته است که در حال حاضر در هلمند از هواپیماهای بدون سرنشین کشفی عملاً در عملیات‌ها استفاده می‌شود.

در ماه گذشته نیروهای هوایی کشور چندین بال از هواپیماهای بدون سرنشین کشفی دریافت کردند.

از سوی هم این مقام‌ها می‌گویند که افزون بر هواپیماهای بدون سرنشین کشفی، ۸ هواپیمای سوپر تاکوی (A۲۹) که در اختیار نیروهای هوایی کشور

از مجازات نیازمند حمایت از سیستم قضای و حسابدھی است. محاکمه‌ی عاملان جنایت مطابق به استندهای بین‌المللی و جبران سریع خسارت قربانیان باید انجام شود.

حکومت افغانستان در اکتوبر ۲۰۰۳ عضو دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) شد و حالا ۱۳ سال از آن می‌گذرد اما تا حالا هیچ اقدام عملی برای انجام تعهداتش به‌عنوان عضو این دیوان نکرده است.

سازمان دیدبان حقوق بشر افزوده است که تصمیم دولت افغانستان به عضویت دادگاه بین‌المللی کیفری باعث این امیدواری بود که قانونمندی جایگزین بی‌قانونی‌ها شود.

این نهاد در نامه‌اش از افغانستان خواسته که برای عمل به تعهدش با دادگاه کیفری همکاری کرده و افغانستان را در رهایی فرهنگ معافیت از مجازات که به افغان‌ها سال‌های طولانی صدمه زده، پایان دهد.

این سازمان پس از آن به رییس‌جمهور غنی نامه ارسال می‌کند که روز سه‌شنبه هفته‌ی گذشته یک حمله‌ی انتحاری در کابل جان ۶۴ تن را گرفت و ۳۴۷ تن دیگر را زخمی کرد.

به دنبال این حمله کاربران زیادی در شبکه‌های مجازی خواهان اعدام افراد گروه طالبان و شبکه‌ی حقانی شدند که در زندان‌های افغانستان به‌سر می‌برند.

مقام‌های حکومتی بحرال و پیشین افغانستان نیز واکنش نشان داده و خواهان محاکمه‌ی افرادی شدند که حملات انتحاری و انفجاری را سازماندهی می‌کنند. رحمت‌الله نیل، رییس پیشین ریاست امنیت ملی، در صفحه‌ی فیسبوکش در واکنش به حمله‌ی روز سه‌شنبه نوشت که «اگر حکومت حامیان حقانی و تروریستان را تقبیح کرده نمی‌تواند و واقعاً در همدردی با مردم و جنگ با تروریسم صادق و جدی است، پس انس حقانی؛ برادر سراج حقانی، و ده‌ها تروریست دیگری که به اعدام محکوم شده‌اند، را فردا اعدام نمایند!»



پروسه‌ی ثبت‌نام افغان‌های مهاجر در پاکستان تا سه هفته‌ی دیگر شروع می‌شود

اطلاعات روز: قرار است تا سه هفته‌ی آینده پروسه‌ی ثبت‌نام یک میلیون مهاجر افغان در پاکستان شروع شود.

مشاور مطبوعاتی وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان، حفیظ‌احمد میاخیل، به رسانه‌ها گفته است که پاکستان در هنگام سفر وزیر مهاجرین به اسلام‌آباد تعهد کرده است که این پروسه را شروع کند. سید حسین عالمی بلخی، وزیر مهاجرین و عودت‌کنندگان در یک سفر چهارروزه در پاکستان به سر می‌برد و روز پنج‌شنبه با وزیر اعلا ی ایالت خیبرپختونخوا ی پاکستان ملاقات کرده و درباره‌ی مشکلات مهاجران گفت‌وگو کرده است.

آغاز ثبت‌نام مهاجران افغان در پاکستان در حالی مطرح شده است که در هفته‌ی دوم ماه حوت سال گذشته حضرت‌عمر زاخیلوال، سفیر افغانستان در پاکستان، اعلام کرد که پاکستان توافق کرده است تا برای بیش از یک میلیون افغان مهاجر در آن کشور مدرک مهاجرت بدهد.

او گفته بود با استفاده از این کارت فرصت کار و تحصیل و دسترسی به خدمات صحی برای مهاجران ساده می‌شود و مهاجران از مزاحمت‌های پولیس پاکستان خلاصی می‌یابند.

پاکستان درحالی تعهد می‌کند که تا سه هفته‌ی دیگر پروسه‌ی ثبت‌نام افغان‌های مهاجر را شروع کند که در روزهای پایانی ماه جدی سال گذشته ۱۶۰ تن از افغان‌های مهاجر را که به علت نداشتن اسناد قانونی بازداشت شده بودند، اخراج کرد.

در آن زمان وزارت مهاجرین اعلام کرد که این مهاجران از ایالت خیبرپختونخوا بازداشته شده و سپس در بندر تورخم به مقام‌های افغان سپرده شدند.

براساس آمارها، بیش از ۳ میلیون افغان مهاجر در مناطق مختلف پاکستان زندگی می‌کنند که از این میان تنها حدود یک‌ونیم میلیون آن ثبت‌نام شده و بقیه به‌صورت غیرقانونی در آن کشور زندگی می‌کنند.

وزارت دفاع: نیروهای امنیتی افغان ۴۱ دهشت‌افکن را کشتند

اطلاعات روز: وزارت دفاع ملی کشور گفته است که در طی ۲۴ ساعت گذشته (بیش از ساعت ۱۲ روز جمعه) نیروهای ملی، دفاعی و امنیتی با راه‌اندازی عملیات مشترک تهاجمی و تعارضی ۴۱ دهشت‌افکن را کشته، ۷ تن را زخمی و ۷ تن دیگر را بازداشت کرده‌اند.

این وزارت با نشر خبرنامه‌یی گفته است که این عملیات به‌هدف سرکوب هراس‌افکنان و محافظت از جان و مال مردم در برخی از ولسوالی‌های ولایت‌های ننگرهار، لغمان، کابل، پکتیا، قندهار، بادغیس، بغلان، بلخ، جوزجان، فاریاب، قندوز و هلمند راه‌اندازی شده است.

خبرنامه گفته است که ۳ تن به‌شمول غلام‌سخنی یک تن از قوماندانان محلی مخالفان مسلح در ولسوالی غورک ولایت قندهار کشته شده‌اند.

همچنان در مربوطات ولسوالی‌های اچین، مهنمندره و غنی خیل ولایت ننگرهار و ولسوالی زرمت ولایت پکتیا در نتیجه‌ی عملیات هوایی نیروهای افغان ۲۵ تن از مخالفان مسلح که ۶ تن آنان عضو گروه داعش هستند، کشته شده‌اند.

خبرنامه افزوده است که در نتیجه‌ی عملیات تصفیوی مشترک نیروهای دفاعی و امنیتی کشور در مربوطات ولسوالی‌های دشت ارچی، امام صاحب و مرکز ولایت قندوز، دندغوری و دند شهاب‌الدین در ولایت بغلان ۱۳ مخالف مسلح کشته شده‌اند.

وزارت دفاع ملی گفته است که نیروهای امنیتی نیز تلفات وارد شده و در جریان این عملیات ۵ تن از سربازان ارتش شهید شده‌اند.

با آغاز فصل بهار سال جاری خورشیدی گروه طالبان از آغاز عملیات‌شان تحت نام عملیات «عمری» خبر داد. در واکنش به این گفته‌ها، معاون سخن‌گوی رییس‌جمهور از عملیات «شفق» خبر داده و گفت که طالبان محکوم به شکست‌اند و ابتکار عمل به‌دست نیروهای امنیتی افغان می‌باشد.

در درگیری طالبان و پولیس محلی در ننگرهار ۹ طالب و پنج پولیس محلی کشته شدند

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت ننگرهار می‌گویند که در درگیری میان پولیس محلی و جنگجویان طالبان در ولسوالی خوگیانی این ولایت ۹ طالب و پنج پولیس محلی کشته شدند.

عطاءالله خوگیانی، سخن‌گوی والی ولایت ننگرهار گفته است درگیری پس از حمله‌ی طالبان بر یک پاسگاه پولیس محلی رخ داده که چهار سرباز دیگر زخمی شده‌اند.

این حمله صبح روز جمعه رخ داده است.

یک مقام محلی دیگر که نخواستہ در خبر نامه از او گرفته شود به بی‌سی‌سی گفته است که پنج سرباز دیگر نیز در نتیجه‌ی این رویداد ناپدید شده‌اند. گروه طالبان نیز با نشر اعلامیه‌یی مدعی شده است که پنج سرباز این پاسگاه نزد آنان اسیر هستند و مقداری اسلحه نیز به‌دست آورده‌اند.

مقام‌های محلی اما مسأله‌ی رבוده شدن شماری از سربازان را تأیید نکرده‌اند. خوگیانی از ولسوالی‌های نامن ننگرهار است که درآن گروه‌های تروریستی چون طالبان و داعش فعالیت دارند.



خبرنگار وارثی

هادی دریایی

بیاتا گل نیافشانیم و خاک در ساغر اندازیم

ما سیزده سال است به این درک رسیده‌ایم که خشونت بد است. همین که نام خشونت را می‌شنویم، اعصاب ما خراب می‌شود. همان زمانی که اعصاب ما هر لحظه زیاده‌تر خراب شده می‌رود، یک نوع موج در مغز ما تولید می‌شود که محققان آن را موج قهرمانی نامیده‌اند.

این موج قهرمانی آهسته‌آهسته به قسمت‌های دیگر سر (توجه داشته باشید که سر ما چندین قسمت دارد. از ده حصه، یک حصه‌اش مغز و باقی قسمت‌هایش را ساحت تفریحی می‌گویند) می‌رود. در یک قسمت که از لحاظ مساحت دورترین قسمت از مغز می‌باشد، با عصبانیت ما ملاقات می‌کند. ملاقات نگو بلا بگو! همین که عصبانیت و موج قهرمانی در جغرافیای سر ما ملاقات کرد، ما را آماده می‌کند برای موج خشونت، اول بعضی چیزها را فراموش کنیم، بعدش هر کاری بکنیم. بعد که کمی از خط قهرمانی خارج شدیم، پیش خود آرزو می‌کنیم که کاش فلان کار، فلان رقم می‌شد. بعدش تا بچنینیم، یک اتفاق دیگر می‌افتد یا یک اتفاق دیگر افتاده می‌شود که مصیبت قبلی را فراموش می‌کنیم.

همین چند روز پیش یک انتحاری شد. همه‌ی ما عصبانی شدیم که چرا انتحاری شده. فقط یک تعداد از برادران مثل همیشه خونسردی خویش را حفظ کردند و گفتند که این حمله نشان از شکست دشمن است. بعد که فهمیدیم انتحاری‌ها قبلاً دستگیر شده و در زندان بوده و رها شده، خیلی عصبانی شدیم. آن قدر عصبانی شدیم که موج‌های قهرمانی تولید شده در مغز رفت و در دورترین قسمت از مغز ما با غول موج عصبانیت ما تلاقی کرد. در قدم اول فراموش کردیم که آسیا یک پیکر آب و گل است/ کشور افغان در این پیکر، دل است.

فراموش کردیم که این‌جا یک کشور است که در آن حکومت وحدت ملی مصروف ارایه‌ی خدمات به ملت قهرمان است. همین‌طور فراموش کردیم که حکومت وحدت ملی از خود وظایفی دارد و یکی از آن وظایف، این است که نگذارد انتحار شود. البته ما در این حمله همه چیز را فراموش نکردیم چون بزرگان مملکت آن قدر در محل رویداد و کنار زخمی‌ها عکس یادگاری گرفتند که اجازه ندادند که عصبانیت ما با روال معمولش اوج بگیرد و دوباره فروکش کند. به‌هر صورت، بعضی از ما به این نتیجه رسیدیم که مقصر اول این حمله، صاحب سرایی است که از داخل آن حمله شده، از داخل آن سه مهاجم مسلح وارد ریاست ده امنیت ملی شده، یکی از آن مهاجمان دوباره از همان سرای فرار کرده. وقتی فهمیدیم صاحب آن سرای هم قبلاً به جرم کارهای کرده‌اش در زندان گوانتانامو بوده اما به لطف کاکا رییس‌جمهور به افغانستان برگردانده شده، یقین ما ثابت شد که مقصر اصلی این حمله، صاحب سرای است. در همین لحظه پیش خود آرزو کردیم که کاش او از گوانتانامو آزاد نمی‌شد.

بدی کار این‌جاست که ما اغلب در ساحت تفریحی سر خود قرار داریم. به‌همین خاطر درک نمی‌کنیم که چرا تروریستان از زندان‌های افغانستان آزاد شده‌اند/می‌شوند؟ چون جواب این سوال را نمی‌دانیم، طبیعی است که رهایی یک تروریست از گوانتانامو را هرگز نمی‌دانیم. مثلاً خیلی از بزرگواران گروه طالبان از گوانتانامو رها شده، این که برای چه رها شده، نمی‌دانیم. چون این‌ها را نمی‌دانیم، یک مسأله‌ی دیگر را هم نمی‌دانیم و آن مسأله این است که چرا رییس‌جمهور باید و به‌هر قیمتی که شده، از یک قوم مشخص باشد؟

می‌دانم در ذهن خود می‌گویید این سوال احمقانه است. خیلی خُب! ببخشید، به قول روشن‌فکرای فیس‌بوکی، یک حماقت از ما هم روا باشد. اما سوال‌های احمقانه‌تر از این هم وجود دارد. مثلاً حالا که صاحب سرای را هم در آن حمله مقصر می‌دانیم، پیش خود می‌گوییم که او فرد قدرتمندی است، حکومت می‌خواست سرای او را تحت مالکیت خویش بیاورد، اما زورش نرسید. از خود می‌پرسیدم که چرا دیوارهای چسبیده به سرای ریاست ده امنیت یک کمی ضخیم‌تر نشده؟ مثلاً چرا بیست‌سی دانه از همان دیوارهای کانکریتی که مقامات را از مردم و مردم را از جاده جدا می‌کند، در همان قسمت گذاشته نشده؟ و حالا آرزو می‌کنیم کاش چنان می‌شد...

حالا شما به من بختید، یک خنده از شما هم روا باشد. اما تعبیری در اوضاع نخواهد آمد. دل‌تان خوش است که رییس‌جمهور گفته ما اراده‌ی کشتن شما را نداشتیم، اما شما ما را مجبور می‌سازید. شاید رییس‌جمهور آن لحظه عصبانی بوده. شما به بزرگواری‌تان ببخشید، او باز همان شخصیت مدبری خواهد بود که اراده‌ی کشتن طالبان را نخواهد داشت. هر سالی که می‌گذرد، یک سال بر مجموع سال‌هایی که ما فهمیده‌ایم خشونت بد است، اضافه می‌شود. الباقی کما فی‌السابق خواهد بود.

در هر صورت اگر قرار باشد اقدامی صورت بگیرد شروع آن، ایجاد یک محوریت واحد و تشکل فراگیر اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه از نخبگان و متنفذین اجتماعی و فرهنگی کشور به‌منظور اعمال فشار مردمی و مدنی بر دولت می‌باشد تا از طریق رهبری و سازمان‌دهی فیزیکی و عملی اعتراضات و نارضایتی‌های گسترده‌ی مردم از وضعیت و تدوین یک پلان واقع‌بینانه بر محور قوانین نافذی کشور برای پیش‌برد جنگ و صلح در افغانستان، دولت را وادارد که اصلاحات لازم را در ساختار، سیاست‌گذاری‌ها، استراتژی‌ها، شیوه و کادر رهبری سیاسی و نظامی خویش اعمال کند.

تسلحاتی برای اقدامات عملی جنگ و صلح باید وجود داشته باشد و یا ایجاد گردد. باید مطمئن شویم از این که وفاق اجتماعی در سطح جامعه و هم‌آهنگی سیاسی و تضمین اقتصادی و تسلیحاتی در سطح دولت برای جنگ و صلح وجود دارد. آیا این وفاق سیاسی و اجتماعی وجود دارد؟ آیا از نظر اقتصادی و تسلیحاتی دولت می‌تواند جنگ را به سرمنزل مقصود برساند؟ دو و ده‌ها پرسش دیگر.

این‌ها بخش‌هایی از جوانب جنگ و صلح است که ما - از دولت تا مردم و روشنفکران - در همان سطح اول آن - موضوع جنگ و صلح - زمین‌گیریم و پای در گل. دریغ! که نه دولت افغانستان، بلکه دولت فرانسه و هند و بریتانیا و جاپان و حتا پاکستان است که با رجوع به قوانین و وجدان اخلاقی و انسانی خویش، جنگ و صلح را به مراد و منافع مردم صلح‌طلب و خطوط قانونی کشور رهبری کند و نه مردم افغانستان، مردم هند و تونس و جاپان و فرانسه است که با اتکا به قوانین کشور و وجدان بیدار جمعی خویش، اقدام به تغییر وضعیت و فائق آمدن بر وضعیت فاجعه‌بار جاری نماید.

در هر صورت اگر قرار باشد اقدامی صورت بگیرد شروع آن، ایجاد یک محوریت واحد و تشکل فراگیر اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه از نخبگان و متنفذین اجتماعی و فرهنگی کشور به‌منظور اعمال فشار مردمی و مدنی بر دولت می‌باشد تا از طریق رهبری و سازمان‌دهی فیزیکی و عملی اعتراضات و نارضایتی‌های گسترده‌ی مردم از وضعیت و تدوین یک پلان واقع‌بینانه بر محور قوانین نافذی کشور برای پیش‌برد جنگ و صلح در افغانستان، دولت را وادارد که اصلاحات لازم را در ساختار، سیاست‌گذاری‌ها، استراتژی‌ها، شیوه و کادر رهبری سیاسی و نظامی خویش اعمال کند.



جنگ و صلح (طالبان+حامیان داخلی و خارجی و دولت افغانستان+حامیان داخلی و خارجی‌اش) و میدان جنگ (محلات زندگی مردم عام) ایجاب می‌نماید تا قبل از آن که جوگیر خشم و نفرت و یا هم تعصبات کور قومی و قبیله‌ی شده و بر طبل جنگ یا صلح بکوبیم؛ اولاً موضوع جنگ و صلح خود را به‌ویژه از نظر سیاسی و امنیتی، بر محور قوانین نافذی کشور و با توجه به عرف و سنت‌های اجتماعی و فرهنگی، مشخص و تعریف کنیم؛ تا بفهمیم جنگ برای چه؟ جنگ به‌عنوان بخشی از برنامه‌ی توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی؟ جنگ برای بقا؟ جنگ برای گسترش حوزه‌ی حاکمیت دولت؟ جنگ برای تثبیت و تحکیم پایه‌های سیاسی و اجتماعی دولت؟ صلح چرا؟ بر چه اساس و با چه بهایی؟ حدود و ثغور جنگ و صلح ما، هم به‌لحاظ جغرافیایی و هم به‌لحاظ ارزشی کجا است؟ این حق هر سرباز و هر شهروند این کشور است که بدانند برای چه می‌جنگد؟ دوماً باید تعریف و تفکیک استراتژیک و واضح بین دو طرف جنگ (طالبان+مخالفین مسلح و دولت افغانستان) و مردم انجام دهیم؛ تا به‌صورت واضح بفهمیم طالبان به‌عنوان طرف جنگ یا صلح ما، کیست، چیست، کجاست، از چه امکانات و زمینه‌هایی برخوردار است؟ میدان و جبهه‌ی جنگ ما کجا و چقدر است؟ ما کیستیم و از چه امکانات و زمینه‌ها برخورداریم؟ با چه چالش‌ها و مشکلات مختل‌کننده‌ی داخلی و خارجی گرفتاریم؟ برای قبل و بعد از جنگ چه تدبیری باید داشته باشیم؟ به چه شیوه، با چه کسانی و چه امکاناتی باید جنگ و صلح را به پیش برد تا به نتیجه‌ی مطلوب بیانجامد؟ جایگاه مردم، به‌ویژه در طرح جنگ کجا است و مردم چه نقشی باید ایفا کنند؟

سوماً تضمینات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و

می‌دانم خشم و نفرتی ناشی از حادثه‌ی خونبار ۳۱ حمل در حواشی پُل محمودخان کابل، به‌حق، برای مردمی که سال‌های سال داغ فیزیکی و روانی این‌گونه حوادث را دیده‌اند، به چه معنا است. خشم و نفرتی که از نظر موضوعی (طالبان + حامیان داخلی و خارجی طالبان، رهبران بی‌کفایت دولت افغانستان + شیوه‌ی رهبری دولت + سیاست‌گذاری‌های ناکام دولت + استراتژی‌های ناکام دولت در برابر طالبان + فساد و ...)

کاملاً به‌جا و دقیق می‌باشد. اما اگر که نفرت و خشم از سطح زبان به سطح عمل فیزیکی و ماتریال ارتقا پیدا کند، دامن فاجعه فراخ‌تر و ریشه‌های فاجعه عمیق‌تر نخواهد شد؟ تجربه‌ی بهار عربی به‌ویژه در سوریه، و تجربه‌ی سقوط و صعود دولت‌های تاریخی افغانستان، حداقل در بُعد اجتماعی و سیاسی هشداردهنده‌ی پیامد خطرناک، ویرانگر و مه‌زناپذیر فراگیر شدن نفرت و خشم در جامعه و تبدیل شدن نفرت و خشم عمومی از زبان گفتار به عمل فیزیکی و ماده‌ی عینی خشم‌آگین، می‌باشد.

حادثه‌ی سه روز قبل و ده‌ها حادثه‌ی هم‌نوع و هم‌تراز با آن، وقتی اتفاق می‌افتد، خون ما را به‌جوش می‌آورد و آن‌گاه بانگ جنگ با طالبان و نفرین و مرگ بر دولت‌مداران بر می‌آوریم. ولی یک‌بار مغزهای علیل خود را از جو خشم و نفرت و تعصب برهانیم و اجازه دهیم سوال‌های توضیح‌دهنده‌ی در مورد موضوع جنگ، جوانب جنگ و میدان جنگ در ذهن ما پدیدار شود.

من شخصاً هیچ‌یک از گزینه‌های مصالحه و جنگ و حتا شامل ساختن طالبان در ساختار قدرت را، برای مهار وضعیت فاجعه‌بار جاری، مردود نمی‌دانم. اما پیچیدگی بیش از حد وضعیت ساختاری دو طرف

خود مسیحا-پنداری فرمانروایان

سخی‌داد هاتف

می‌کنید، او به‌عنوان فرد شماره‌یک حکومت مستقیماً مسئول داغ و درد مردم افغانستان است. وقتی که همین رییس‌جمهور پیرمرد بی‌هوشی چون سید احمد گیلانی را رییس شورای صلح می‌سازد و آن جناب در روشنی روز می‌گوید که جنگیدن با طالبان جایز نیست، دست رییس‌جمهور به‌صورت مستقیم به خون شهروندان مملکت آغشته است. وقتی که طالبان یکی از بی‌دیگری جان مردم را می‌گیرند و رییس‌جمهور حتا حاضر نیست اسم «تروریست» را در مورد آن‌ها به کار برد، مسئولیت تمام فجایعی که زنده‌گی مردم افغانستان را تبه می‌کند مستقیماً بر دوش همین رییس‌جمهور است. به دیدار مجروحان رفتن مقامات دولتی هیچ دردی را دوا نمی‌کند. دلجویی‌شان از خانواده‌های داغ‌دیده مضحکه‌ی گریه‌آوری بیش نیست. دست رییس‌جمهور بر شانه‌ی انسان داغدار این سرزمین طوق تحقیر است.

است، اما یک نکته‌ی نه‌چندان ظریف دلجویی‌های معمول را از دیدارهای مقامات دولتی متمایز می‌کند: اگر همسایه‌ی شما داغدار شود و شما برای همدلی و همدردی به خانه‌ی او بروید، این کار شما عیبی ندارد و ای بسا که واقعا لختی مرهمی بر داغ او بگذارد. برای این‌که شما سب‌ساز آن داغ و درد نیستید. این وضعیت در مورد مقامات حکومتی صدق نمی‌کند. مقامات حکومتی یا به‌خاطر کم‌کاری‌های‌شان یا به‌خاطر همدستی‌شان با جنایتکاران و یا به‌خاطر بی‌اعتنایی‌شان به عهدی که با مردم دارند، مستقیماً مسئول داغدار شدن مردم افغانستان هستند. وقتی که همین «مسئولان» هم بر دل مردم داغ می‌گذارند و هم اشک مردم را پاک می‌کنند، همان «نمک پاشیدن بر زخم» تحقق می‌یابد. وقتی که اشرف‌غنی خطاب به تروریست‌ها می‌گوید ما نمی‌خواهیم شما را بکشیم اما شما ما را مجبور

نمی‌دانم چرا وقتی انتحار و انفجاری می‌شود و ده‌ها نفر کشته و زخمی می‌شوند، مقامات دولتی به محل حادثه می‌روند یا از شفاخانه‌ها و مجروحان دیدن می‌کنند؟ چرا این مقامات فکر می‌کنند که اگر مثلاً به دیدار مجروحان بروند، آنان از دیدن این مقامات شاد می‌شوند یا تسلی خاطر می‌یابند؟ معنای دیدار مقامات از آسیب دیده‌گان چیست؟ آیا معنایش این است که ما با شما هستیم، شما نگران نباشید؟ آیا مقامات مذکور گمان می‌کنند که اگر دستی بر شانه‌ی یک فرد مجروح بگذارند، زخم‌های او التیام می‌یابند؟ آیا بر این باوراند که اگر ده دقیقه‌ی در خانه‌ی یک آدم داغدار و عزیز از دست‌داده بنشینند، درد و داغ آنان رفع می‌شود؟

شاید کسی بگوید که دلجویی و احوال‌پرسی از آسیب دیده‌گان و داغداران حرکتی اخلاقی و انسانی است و منحصر به موارد انتحار و انفجار هم نیست. این درست

سپتامبر، آزمون حیات برای افغانستان

فارین پالیسی / محمد سعید مددی و تابش فروغ

ترجمه: معصومه عرفانی



با نزدیک شدن مهلت پایانی در ماه سپتامبر، رقبای سیاسی خودشان را برای به چالش کشیدن دولت وحدت ملی آماده می‌کنند. هر دو گروه دوستان سابق و دشمنان دولت وحدت ملی از عملکرد آن ناراضی هستند. انورالحق احدی، یکی از حامیان قدرتمند و وزیر اقتصاد سابق، سال گذشته پس از آن که اعلام کرد او از این دولت ناامید شده است، اپوزیسیون جدیدی را تشکیل داد. عطا محمد نور، از قدرتمندان شمال و ستون اصلی مبارزات سیاسی عبدالله، اخیراً به «نیویورک تایمز» گفته است که هر دو رهبر دولت وحدت ملی، با عملکردهای ضعیف خود، «دولت را به مسخره گرفته‌اند». تعدادی، مانند عمر داوودزی، وزیر داخله سابق در حکومت رییس‌جمهور کرزی، آمادگی خود را برای برگزاری انتخابات زودهنگام اعلام کرده‌اند، در حالی که رییس‌جمهور سابق افغانستان، حامد کرزی، که در مورد مسایلی مختلف از جمله روند صلح علیه مواضع دولت حاکم صحبت کرده است، طرفدار برگزاری یک لویه‌جرگه سنتی برای تشکیل یک دولت موقت است.

توافق‌نامه، دولت باید تا آن زمان ساختار و قوانین انتخاباتی خود را اصلاح کرده باشد، شناسنامه‌های الکترونیکی جدید را صادر کرده باشد، انتخابات مجلس و شورای محلی را برگزار کرده باشد و جرگه‌ی ملی را برای اصلاح قانون اساسی برای ایجاد موقعیت نخست‌وزیر برای رییس‌اجرایه‌ی فلی عبدالله عبدالله برگزار کرده باشد.

هیچ‌کدام از این اتفاقات صورت نگرفته است. مجلس پس از تمدید دوره‌اش پس از ماه جون گذشته از طریق حکم ریاست‌جمهوری تا زمان برگزاری انتخابات در تاریخ تعیین‌شده در ۱۵ اکتبر، در حال کار است. مگر این که تغییری به‌وجود بیاید، در ماه سپتامبر، دو ستون اصلی دولت نیز براساس جایگاهی خارج از قانون اساسی در قدرت خواهند بود.

با نزدیک شدن مهلت پایانی در ماه سپتامبر، رقبای سیاسی خودشان را برای به چالش کشیدن دولت وحدت ملی آماده می‌کنند. هر دو گروه دوستان سابق و دشمنان دولت وحدت ملی از عملکرد آن ناراضی هستند. انورالحق احدی، یکی از حامیان قدرتمند و وزیر اقتصاد سابق، سال گذشته پس از آن که اعلام کرد او از این دولت ناامید شده است، اپوزیسیون جدیدی را تشکیل داد. عطا محمد نور، از قدرتمندان شمال و ستون اصلی مبارزات سیاسی عبدالله، اخیراً به «نیویورک تایمز» گفته است که هر دو رهبر دولت وحدت ملی، با عملکردهای ضعیف خود، «دولت را به مسخره گرفته‌اند». تعدادی، مانند عمر داوودزی، وزیر داخله سابق در حکومت رییس‌جمهور کرزی، آمادگی خود را برای برگزاری انتخابات

نامنی در حال افزایش است، و فساد گسترده همچنان مانعی جدی در راه حکومت‌داری کارآمد به حساب می‌آید. نرخ رشد اقتصادی به ۱،۹ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته است.

مردم افغانستان در حال فرار از کشور هستند. آن‌ها پس از مردم سوریه، دومین گروه بزرگی هستند که به اروپا می‌گریزند. ۱۸۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۵ افغانستان را ترک کرده‌اند.

اگرچه دولت وحدت ملی بسیاری از این مشکلات را از دولت رییس‌جمهور کرزی به ارث برده است، با این وجود، این دولت کار چندانی برای بهبود وضعیت نیز انجام نداده است. دو سازمان کلیدی مسئول تأمین امنیت -وزارت دفاع و ریاست امنیت ملی، سرویس اطلاعاتی افغانستان- هنوز هم توسط سرپرست اداره می‌شوند چراکه مجلس در دو رأی‌گیری پیاپی کاندیدهایی را که برای وزارت دفاع معرفی شده بودند رد کردند، و رییس‌اداره امنیت ملی به تازگی و پس از اختلاف‌نظر با رییس‌جمهور، استعفا داد. در همین حال، دولت حتی از کنترل حامیان و نمایندگان خودش ناتوان بوده است، همان‌گونه که در رویارویی میان معاون اول رییس‌جمهور، عبدالرشید دوستم، و یکی از والیان شمال، عطا محمد نور، نشان داده شد. چالش‌های پیش روی دولت وحدت ملی در ماه سپتامبر، زمانی که مهلت نهایی برای اجرای کامل توافقات براساس اسناد تشکیل دولت وحدت ملی نزدیک می‌شود، به مرحله‌ی بحرانی خواهد رسید.

این توافق سیاسی با میانجیگری جان کری که منجر به تشکیل دولت ائتلافی کنونی شد باید تا تاریخ ۲۱ سپتامبر به‌طور کامل اجرا شود که تاریخ انقضای آن است. با توجه به این

روز سه‌شنبه، ۱۹ اپریل، طالبان نخستین حمله‌ی مرگبار از حملات بهاری خود را انجام دادند، که منجر به کشته‌شدن بیش از ۲۰ فرد و زخمی‌شدن بیش از ۳۲۰ تن در اثر انفجار یک کامیون پر از مواد منفجره و تیراندازی‌های متعاقب آن شد. حمله در نزدیکی یک مرکز امنیتی انجام گرفت که مسئولیت حفاظت از مهمانان ویژه را بر عهده دارند. براساس گزارش‌های متعدد، این مرگ‌بارترین حمله در این شهر از سال ۲۰۱۱ تاکنون بود. باتوجه به سلسله‌حملات صورت‌گرفته در سراسر کشور و اعلام آغاز حملات بهاری در تاریخ ۱۲ اپریل، افغانستان همچنان باید از خود در برابر طالبان دفاع کند، و در نتیجه، آینده‌ی نامشخص برای صلح و امنیت در سراسر این کشور را پیش رو دارد.

بنابراین، چشم‌انداز افغانستان برای ثبات سیاسی، تاریخ و غم‌انگیز است. اگرچه دولت وحدت ملی در ارایه‌ی وعده‌هایش براساس توافق سیاسی تشکیل‌دهنده‌ی این دولت در زمان مناسب شکست خورده است، همچنان با مشکلاتی برای حکومت بر این کشور درگیر است. در تاریخ ۹ اپریل، در میانه‌ی نگرانی‌هایی که در رابطه با پایان مهلت تعیین‌شده در توافق‌نامه‌ی وحدت ملی وجود داشت، وزیر امور خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا جان کری برای نشان‌دادن حمایت از دولت وحدت ملی از کابل بازدید کرد و این ایده را که این دولت تنها برای دو سال اعتبار دارد رد کرد.

درحالی که دستیابی به پیروزی قطعی در برابر طالبان در حال حاضر از هر زمانی دشوارتر است، دولت وحدت ملی باید سرمایه‌ی سیاسی خود را بر اجرای اصلاحات انتخاباتی خود که مدت‌ها پیش باید انجام می‌شد و اصلاحات قانون اساسی قرار دهد تا بر قلب مردم افغانستان پیروز شود. این کار نیازمند تصمیمات جسورانه است.

تعداد اندکی در میان طبقه‌ی سیاسی افغانستان و تعدادی حتماً کمتر از آن در میان مردم افغانستان، در رابطه با حکومت‌داری دولت وحدت ملی خوشبین هستند. بررسی سالانه‌ی بنیاد آسیا در سال ۲۰۱۵ نشان داد که تقریباً ۶۰ درصد مردم افغانستان باور دارند که کشور آن‌ها در مسیر اشتباهی پیش می‌رود. در حدود ۷۰ درصد گفته‌اند که نگران امنیت شخصی خود هستند، و این بالاترین رقم در دهه‌های اخیر است.

روابط بهتر غنی با واشنگتن، نسبت به سلف خود رییس‌جمهور حامد کرزی، به احتمال زیاد موجب حمایت از او در پایتخت‌های غربی می‌شود.

با این همه، علی‌رغم حمایت‌هایی که او از جامعه‌ی بین‌المللی دریافت می‌کند، دولت او در جبهه‌های متعددی درگیر است.

زودهنگام اعلام کرده‌اند، درحالی که رییس‌جمهور سابق افغانستان، حامد کرزی، که در مورد مسایلی مختلف از جمله روند صلح علیه مواضع دولت حاکم صحبت کرده است، طرفدار برگزاری یک لویه‌جرگه سنتی برای تشکیل یک دولت موقت است.

هیچ‌یک از پیش‌شرط‌های جایگزین ساختن دولت وحدت ملی فعلی با دولتی مبتنی بر قانون اساسی در ماه سپتامبر برآورده نخواهد شد. زمان آن رسیده است که افغانستان انتخاباتی عملی برای جان سالم به‌دربردن از بحران‌های آینده داشته باشد.

دولت وحدت ملی قابل‌اعتمادترین گزینه برای ثبات نسبی تا سال ۲۰۱۹ است. اگرچه این دولت از طریق یک توافق سیاسی تشکیل شد، هر دو نفر از میلیون‌ها نفر رأی‌دهنده از مردم افغانستان نمایندگی می‌کنند که با وجود تهدیدهای طالبان جرأت این را داشتند که در پای صندوق‌های رأی حاضر شوند. هیچ دولتی که در نتیجه‌ی لویه‌جرگه سنتی ایجاد شود، چنین پایگاه اجتماعی قدرتمندی برای مشروعیت‌بخشیدن ندارد. به همین شکل، تا زمان اجرای اصلاحات انتخاباتی برای تضمین یک انتخابات آزاد و عادلانه، یک رأی‌گیری زودهنگام تنها بحران را عمیق‌تر کرده و ثبات را تضعیف می‌کند.

اکنون که این توافق‌نامه برای سه سال دیگر اعتبار دارد، دولت باید قاطعانه در جهت اعمال اصلاحات انتخاباتی و اصلاح قانون اساسی حرکت کند تا بتواند منبع اصلی بحران کنونی را حل و فصل نماید. انتخابات مجلس و شورای محلی باید براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده در ماه اکتبر انجام شد و برای شفاف‌سازی انتخابات، شناسنامه‌های ملی جدید باید صادر شوند.

روند اصلاح قانون اساسی نه تنها باید بر تشکیل جایگاه نخست‌وزیر به جای رییس اجراییه تمرکز کند، بلکه همچنین باید به شکل گسترده‌تر بر اصلاح عیب‌ونقص‌های قانون اساسی فعلی کار کند. برای مثال، قانون اساسی، هفت شیوه برای انتخابات از ریاست‌جمهوری تا شوراهای شهری را به رسمت می‌شناسد که نیازمند برگزاری جداگانه‌ی هر کدام از آن‌هاست، و این وضعیت باتوجه به فقدان منابع و امنیت کافی در افغانستان، نادرست است. همچنین، قانون اساسی فعلی برای ارایه‌ی حمایت از رشد و استفاده از جناح‌های سیاسی نیز شکست خورده است. باتوجه به اولویت‌های رییس‌جمهور کرزی و نگرانی‌ها در رابطه با پایگاه‌های قومی و مذهبی احزاب سیاسی، در سال ۲۰۰۴ و پس از آن، توجه کمتری به این مسأله نشان داده شده است. ساختار غیرمتمرکزتر برای محدودکردن قدرت رییس‌جمهور باید با انتخاب مستقیم والی‌ها و اعطای نقش نظارتی گسترده‌تر به شوراهای ولایتی و ولسوالی برای افزایش پاسخگویی به افکار عمومی و سیاست‌گذاری تأثیرگذار همراه شود.

این اصلاحات تنها با اراده‌ی مثبت رهبران دولت وحدت ملی امکان‌پذیر نمی‌شود، مگر آن که فشار سیاسی از سوی جامعه‌ی جهانی اعمال شود، اما مهم‌تر از آن، از سوی جامعه‌ی سیاسی که عبدالله از آن نمایندگی می‌کند. این اصلاحات شرط‌های تیم او برای پیوستن به دولت بودند، اما او قادر به تأثیرگذاری در این روند نبوده است. احتمالاً زمان مناسب فرا رسیده است که تیم عبدالله او را با یک چهره‌ی سیاسی قدرتمندتر جایگزین کنند. در هیچ بخشی از توافق‌نامه‌ی دولت وحدت ملی ذکر نشده است که رییس اجراییه و معاون‌های او لزوماً باید عبدالله و معاون‌های انتخابی او باشند. علاوه‌براین، در توافق‌نامه آمده است که اختلافات بر سر تفسیر و اجرای آن باید توسط هر دو طرف حل شود. بنابراین، این توافق‌نامه به تیم عبدالله اجازه می‌دهد تا او را متقاعد به استعفا کرده و به جای او یک چهره‌ی جدید را معرفی کنند که می‌تواند رییس‌جمهور را برای اجرای اصلاحات تحت فشار قرار دهد.

با این وجود، تعهد رییس‌جمهور به این پروسه نیز به همان اندازه اهمیت دارد. در حالی که ممکن است تیم او به اندازه‌ی عبدالله علاقه‌ی به اصلاحات انتخاباتی نداشته باشد، اصلاح قانون اساسی و تقسیم‌بندی قدرت میان مقامات محلی و مرکزی، بخشی از وظایف انتخاباتی او بود. به همین دلیل، او باید از حلقه‌ی افرادی که برای «ایجاد اختلال در این روند» تلاش می‌کنند خارج شود؛ این افراد شامل مشاور امنیت ملی او، حنیف اتمر، نیز می‌شود که تصمیم‌گیری در ارگ ریاست‌جمهوری را به انحصار خود درآورده است.

این راه‌حل فاقد مبنای حقوقی و قانونی قدرتمند در کوتاه‌مدت است، و زمان کافی وجود ندارد که دستیابی به چنین راه‌حلی قبل از ماه سپتامبر امکان‌پذیر باشد. برداشتن این قدم‌ها به افغانستان کمک خواهد کرد تا برای پیشگیری از چنین بحران‌های انتخاباتی و قانون اساسی در آینده اطمینان حاصل کند و خوش‌بینی‌ها نسبت به دولت وحدت ملی در میان مردم افغانستان را افزایش دهد.

طفل من افغان را به كودكستان راه نمی دهند

سید موسی رفیع زاده/برلین

در طول کم تر از دو سالی که از حکومت وحدت ملی گذشت، نه تنها اوضاع و احوال امنیتی، اجتماع و وضعیت اقتصادی مردم طریق بهبودی را طی نکرد که کاملاً بر عکس، همه چیز وارونه تر و آشفته تر از قبل شد. به قول معروف: از بد و بدترش توبه!

در این دو سال، کندز سقوط کرد، نفوذ طالبان و داعش هم سرتاسری شد. این گمانه هم به مرور زمان تقویت شد که هسته‌هایی در درون خود نظام می‌خواهند ناامنی‌ها را سرتاسری بسازند. پایه‌های برق نیز در همین زمان به سرنوشت کندز گرفتار شدند و سقوط کردند تا در قرن بیست و یک، افتخار تاریخی در برگ سیاه زعامت «اشرف» مخلوقات افغانستان و عبدالله ثبت شود و برای روزها و شب‌های متوالی، کابل از درد بی‌برقی به فغان آید.

مهاجرت پدیده‌ی دیگری است که در دوران حکومت مصلحتی و به گفته‌ی برخی «ازدواج اجباری آقایان» جان تازه‌ی گرفته است و در طول سال گذشته‌ی میلادی، به گواه آمار و ارقام بیشتر از دصد هزار افغان، راه خارج از وطن را در پیش گرفته‌اند. در میان انبوه مهاجران، من نیز شامل بودم که با وجود تمام شنیده‌ها و حکایت‌ها، درد و رنج‌های مهاجرت را متحمل شدم.

مهم‌ترین مسأله‌ی که در طول سفر مرا آزار داد، بی‌توجهی افرادی به سرنوشت مردمی بود که شاید یکی از آن‌ها به او اعتماد کرده و رأی داده بودند. کما این که خودم اصلاً به این دو شخص (غنی و عبدالله) رأی ندادم و افتخار هم می‌کنم که چنین اشتباهی را مرتکب نشدم.

اما بدون هیچ شک و شبهه‌ی بخشی از این مردم که آواره شده‌اند به یکی از همین دو مثلاً آقا رأی دادند تا شاید سرنوشت‌شان تغییر کند. اما متأسفانه این دو (عبدالله و غنی) آن قدر در منجذاب سیاست انحرافی فرو رفته‌اند که مهم‌ترین نهادهای امنیتی کشور هنوز وزیر یا رییس ندارند. با این وضعیتی که داریم پس من مهاجر و دیگر هم‌مسیرهایم هرگز نباید به خود بی‌ایم بلکه بنالیم.

مردمان بسیاری را دیدم که از تمام هستی و دارایی خود در افغانستان گذشته بودند تنها به امید آینده‌ی امن تر، تا شاید دیگر از ترس انتحار و انفجار دور بمانند و یک قدم، آری تنها یک قدم از مرگ دورتر شوند. این بمانند که مرگ از رگ گردن به ما نزدیک تر است.

مردمانی را دیدم که دل‌شان را دریایی کرده بودند پر از امواج شجاعت و کودکان شیرخوارشان را به دریا زده بودند. مردمانی را دیدم که آفتاب عمرشان رو به غروب نهاده بود اما به امید یک روز زندگی در امن و آسایش، رخت هجرت به تن کرده و بند کفش‌های‌شان را محکم بسته بودند تا از سرزمین مرگ و وحشت فرار کنند. مهاجرینی که به سختی و به دشواری اکنون جایی رسیده‌اند بازهم از شر سران حکومت نفسی آرام نمی‌کنند. راستی جنابان! اگر کابل امن است، فرزندان گرامی کدام یک از شما در کابل حضور دارند؟ راستی چرا هنوز فکر می‌کنید که ما سر در زیر برف داریم و نمی‌دانیم شمایان چه می‌کنید؟

آری مسیری را که مهاجرین آمده‌اند آن قدر سخت و طاقت فرسا بوده است که در تصور شمایی که با طیاره‌ی خصوصی رهسپار اروپا می‌شوید نگنجد! که چه زیبا گفته‌اند: سواره از دل پیاده چه خبر دارد!

من و امثال من، ما و امثال ما که دست فامیل را گرفته‌ایم تا شاید از دوزخی که شمایان با زراندوزی‌های‌تان در کابل برای‌مان ساخته‌اید فراری شویم، این مسیر جهنمی را به امید رسیدن به آینده‌ی امن، به جان خریدیم. شاید نمی‌دانید اما هیچ‌یک از این مردمی که برای فرار از کشور و رسیدن به مقصد جان داده‌اند، اولادهای‌شان را از دست داده‌اند و یا هم مال باخته‌اند، از سر هوس فیل‌شان یاد بهشت اروپا نکرده‌اند! تمامی این‌ها از دوزخ ساخته‌ی دست شمایان به تنگ آمده بودند.

راستی خبر دارید که این‌جا هم بخل‌ورزی شمایان، دست از سر ما برداشته و مایی که از خیر حمایت شما گذشتیم، از حمایت اینان نیز محروم شده‌ایم؟ آن‌هم به‌خاطر دروغ‌های گاه‌وبیگاه



شما که وطن‌مان را امن می‌خوانید اما خودتان تا خانه‌ی ملت‌تان (همان پارلمان) که می‌روید نیم‌ساعت قبل و بعد از عبورتان، تمامی سرک‌ها را مسدود می‌کنید! اگر کشور امن است چرا دور و اطراف سرک‌ها را تخلیه می‌کنید؟

این‌جا اعراب درس زبان می‌خوانند، اما من افغان اجازه‌ی درس خواندن ندارم. طفل اعراب به مکتب می‌رود اما طفل من افغان را به کودکستان راه نمی‌دهند با این بهانه که جای ندارند و ... و همه‌ی این‌ها از برکت حضور شمایان در ارگ و کاخ مرمیرین است.

راستی می‌دانید چرا ما افغان‌ها مثل سایر مهاجران قدر و منزلت نداریم؟ حتا مثل همان‌هایی که تا مرز آلمان خود را افغان می‌نامند؟ چون آن کشورها از خود زعیمی دارند که می‌دانند

مردم‌شان چه مسیر صعب‌العبوری را می‌پیمایند. چون آن‌ها می‌دانند که مهاجران‌شان چگونه پنجه در چنگال مرگ می‌برند و کوه‌هایی بلند پر از برف و دریاهای طوفانی و وحشتناک را طی می‌کنند. آن‌ها می‌دانند که مردم‌شان نیاز به حمایت دارند و برای پر کردن جیب خود و خویشان و دوستان‌شان دروغ نمی‌گویند. این، درست در نقطه‌ی مقابل شمایان است که برای خود می‌خواهید و به دروغ می‌گویید افغانستان امن است، امکانات داریم و می‌توانیم! در حالی که من می‌دانم خودتان و هم سردمداران سایر کشورها (که حتا امروز عساکر‌شان نیز در افغانستان حضور دارند) می‌دانند که سرزمین ما دهه‌ها است که رنگ‌وروی آرامش و امنیت را ندیده است و با توجه به وضعیت حاضر، به این زودی‌ها هم نخواهد دید.

چهلک

سخن‌آهاتف

مجبورمان کردید

در پی انتشار یکی از جملات قصار رییس‌جمهور، یعنی همان «نمی‌خواستیم بکشیم‌تان، مجبورمان کردید»، ما با یکی از برادران تروریست گفت‌وگویی کردیم که متن‌اش را حالا منتشر می‌کنیم؛ صدایش فعلاً باشد. ما: اسم شما؟ تروریست: اسم من علم‌خان است. ما: شما این‌جا، پیش محکمه، چه کار می‌کنید؟ تروریست: من از دست رییس‌جمهور شکایت می‌کنم. ما: چرا، رییس‌جمهور چه کار کرده؟ تروریست: من در محبس بگرام بودم. سه سال پیش در میدان شهر گرفتار شدم. مواد منفجره داشتم و بنا بود آن را بیاورم و در شهر نو کابل منفجر کنم. ولی دستگیرم کردند. در سه سال گذشته، چندین بار از مقامات دولتی و دو بار شخصاً از خود رییس‌جمهور تقاضا کردم که مرا اعدام کنند. قبول نکردند. گفتیم حداقل مرا آزاد بگذارید که سرم را به دیوار بکوبم و از شر زنده‌گی راحت شوم. باز قبول نکردند. ما: خوب، در حق شما خیلی لطف کردند. اگر اعدام می‌شدید... تروریست: اگر اعدام می‌شدم آسمان به زمین می‌خورد؟ آن قدر مرا در محبس نگه داشتند که کم‌کم فکر خودکشی هم از سرم پرید. حالا مرا آزاد کرده‌اند. هنوز آدم می‌کشم، ولی هیچ دلم نمی‌شود که خودم را هم بکشم. همین چند روز پیش یک محصل را با تفنگچه کشتم. سابق می‌خواستم خودم را منفجر کنم تا هم دیگران را بکشم و هم خودم را. حالا شوق خودکشی از سرم پریده. ما: یعنی شما هنوز تروریست هستید؟ تروریست: بلی، من تا زنده‌ام تروریست خواهم ماند. ما: پس چه طور شما را آزاد کردند؟ تروریست: فهمیدند از این پس من فقط دیگران را می‌کشم، آزادم کردند. ما: فکر نمی‌کنم این‌طور باشد. حتماً فکر کردند شما دیگر دست از ترور و آدم‌کشی برداشته‌اید. تروریست: نه، شما اشتباه می‌کنید. همین چند روز پیش عده‌ی از برادران تروریست که عازم بهشت بودند، به اشرف‌غنی نامه‌ی نوشتند و از او خواهش کردند که هفتاد-هشتاد سرباز به کندز بفرستد تا آن برادران بهشت‌طلب را بکشند. آقای غنی قبول نکرد و گفت شما برادران ما هستید و ما نمی‌توانیم شما را بکشیم. ما: ولی ما اطلاع یافتیم که تعداد زیادی از آن تروریست‌ها به‌دست سربازان دولتی کشته شدند. تروریست: خوب، آن برادران که دیدند اشرف‌غنی اراده‌ی کشتن‌شان را ندارد، عصبانی شدند و سلاح برداشتند و قسم خوردند که تا خود او را نکشد از پای ننشینند. بی‌چاره‌ها می‌گفتند آخر ما که خواست عجیب غریبی نداریم. یک گلوله‌ی کلاشنکوف چیست که به سینه‌ی ما نمی‌زند. آخر اشرف‌غنی را مجبور کردند که آن‌ها را بکشد. ما: پس شکایت شما این است که چرا شما را نکشته‌اند؟ تروریست: یکی از شکایت‌های فرعی‌ام همین است. شکایت اصلی‌ام مربوط به یک چیز دیگر می‌شود. وقتی که از زندان آزاد شدم، رییس‌جمهور مرا رییس عمومی یکی از ادارات دولتی مقرر کرد. قسمت اعظم وقت من در همان اداره گم می‌شود. از کاروبار تروریستی مانده‌ام. آمده‌ام که از اشرف‌غنی خسارت بگیرم.

مؤسسه انتشارات عرفان

عرفان

مؤسسه انتشارات عرفان

مژده به اهالی فرهنگ و ادب
با خرید یک دوره کتاب سراج التواریخ ۱-۲-۳
یک دوره کتاب افغانستان در مسیر تاریخ
هدیه دریافت کنید.

آدرس: کابل چوک دهبوری،
چهار راه شهید، روبروی مسجد، منزل دوم

شماره‌های تماس: ۰۷۹۳۲۵۴۵۲۹ / ۰۷۹۹۳۴۹۷۲۷

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	نشن ماهه	۲۰۰۰ افغانی	نشن ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

- ❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- ❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- ❖ سردبیر: جواد ناجی
- ❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش
- ❖ گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
- ❖ ویراستار: عمران راتب
- ❖ صفحه آرا: هادی دریابی
- ❖ بازاریاب: محمد حسین جويا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ❖ ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- ❖ آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- ❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- ❖ مسئول توزیع: روح الله مردادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲



Asar Hakimi

اگر کزری انتحاری‌ها را رها نمی‌کرد!

حمله‌ی انتحاری سه‌شنبه که نزدیک به ۴۰۰ زخمی و شهید به‌همراه داشت و هزاران کس را به سوگ عزیزان‌شان نشاند، توسط احمد ولی قندهاری و دوستش انجام شد. به اعتراف خود احمد ولی انتحاری وی در سال ۲۰۱۳ به فرمان کزری از زندان بگرام رها شد. در ویدیویی که از نشانی طالبان نشر شده، احمد ولی هنگام آموزش‌های نظامی می‌گوید که توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و پس از مدتی رها شده است. اسناد زندانیان بگرام نشان می‌دهد که این جانی به فرمان حامد کزری در سال ۲۰۱۳ از بند رها شده است.

دو سال پیش هم یک حمله‌کننده‌ی انتحاری با ورود به لیسه‌ی استقلال خودش را منفجر کرد که چندین تن از جمله زبیر حاتمی تصویربردار تلویزیون میترا و تنها تکیه‌گاه مادر مریض و مظلومش را شهید ساخت. وقتی تصویر صورت این انتحاری نشر شد، او درست شبیه تصویر نوجوان انتحاری بود که حامد کزری پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی، رهاپیش کرده بود.

هنگام شهادت زبیر عزیز، ما عنوانی نهادهای عدلی و قضایی شکایت‌نامه‌یی را ترتیب کردیم که کزری به‌عنوان عامل قتل زبیر و ده‌ها شهروند دیگر در یک دادگاه مستقل و یک روند عدالت‌محور باید مورد باز پرس قرار گیرد.

اما دو سال گذشت و در این راستا کاری صورت نگرفت. این بدین معناست که هنوز برای دادخواست خون قربانیان در این کشور فاصله‌ی زیادی است و تا هنگامی که مردم خود خون فرزندان‌شان را پاس ندارند، توقع عدالت از هر حاکمیتی، واهی و نابه‌جاست. این مردم است که برای خود یا جامعه‌ی عدالت‌محور می‌سازند یا تن به استبداد داده و می‌گذارند تا همیشه حق‌شان تلف شود.

حالا همه‌ی خانواده‌های غم‌دیده و انسان‌های با درک می‌گویند که اگر این انتحاری‌ها توسط کزری رها نمی‌شدند، ممکن این حوادث رخ نمی‌داد.

در کنار این، از بس مردم در برابر قربانیان خود بی‌تفاوت شده‌اند دولت‌مردان هم از کنار فاجعه‌ی بزرگ روز سه‌شنبه که بزرگترین فاجعه در نوع خودش در چند سال اخیر بود، به‌راحتی گذشتند.

شما تصور کنید اگر حادثه‌ی روز سه‌شنبه در یک کشور دیگر که اندک فضای آزادی در آن می‌دمد و برخوردار از دولت مردمی است صورت می‌گرفت، آیا همین گونه به‌راحتی خون فرزندان این وطن زیر چرخ موتوره‌های مقامات، بی‌هیچ مسئولیت‌پذیری خشک می‌شد؟ فرمانده پولیس شهر، رییس امنیت شهر و دیگر مقامات مسئول که وظیفه‌ی‌شان تأمین امنیت شهروندان است و این حادثه‌ی اول نه که چندمین حادثه‌ی خونین است که به‌دلیل بی‌کفایتی‌شان رخ می‌دهد؛ اما در محل حادثه حاضر می‌شوند و بی‌اندک‌ترین وجدان به پارچه‌های گوشت شهروندان می‌نگرند و می‌گویند این کار دشمنان افغانستان است. ولی هیچ دشمنی از ناکارایی و خیانت مسئولین برای مردم ما دشمن‌تر نبوده و نیست.



آصف آشنا Asif Ashna

بلندتر از همیشه باد این نماد عزت و هویت میهنی‌مان...!

اقدام اشرف‌غنی برای نیمه‌برافراشته شدن پرچم ملی به‌مناسبت سه‌شنبه سیاه کابل، چیزی فراتر از یک نمایش پوپولیستی و دروغین نیست. نمایشی که پیش از همدردی با مردم ماتم‌زده و خانواده‌های قربانیان این رویداد، تلاش مفتضحانه برای لاپوشانی عمق یک ویرانی بزرگ است.

نیمه‌برافراشته شدن پرچم ملی، فقط پاک کردن صورت مسأله است و دور زدن توجه افکار عمومی بر چندوقچون آن چه منجر به‌وقوع تراژیدی سه‌شنبه سیاه شده است.

مردم می‌خواهند عاملین اصلی [دست‌های دخیل درون نظام در این بحران امنیتی کشور]، مجازات شوند. مردم می‌خواهند نگاه کج‌دار و مریز و باور جدا تباری و تمامیت‌خواهانه‌ی تحمیل شدگان بر سکوی رهبری نظام، کنار گذاشته شود.

مردم می‌خواهند نهادها استقلالیت داشته باشند و مدیریت و رهبری فرآقانونی و نامشروع وزارت دفاع که عملاً خلاف قانون سرپرستی است، متوقف شود.

مردم جداً می‌خواهند دست ستون پنجمی‌های درون نظام کوتاه شود. مردم می‌خواهند شر و شرارتی چون معصوم استانکزی‌ها و گلاب منگل‌ها از حلقه‌ی تصمیم‌گیری به‌دور شوند.

مردم می‌خواهند به‌جای لجاجت بر ابقای چهره‌های جداً مضمون و چهره‌هایی که اعتماد سیاسی و باور جمعی را خدشه‌دار کرده‌اند، رهبری نهادهای امنیتی به جنرالان سرفراز اردو و امنیت ملی واگذار شود و «گروه سرود» سازی‌ها در امنیت ملی و شورای امنیت متوقف شود و کار به اهل کار واگذار شود.

مردم می‌خواهند منطق جابه‌جایی‌های اخیر در «ریاست حفاظت از رجال برجسته» را بدانند.

مردم می‌خواهند، اعضای شبکه‌ی حقانی که از سوی سرفرازان امنیت ملی بازداشت شده‌اند و از سوی دادگاه عالی کشور محکوم به اعدام شده‌اند، به دار کشیده شوند.

مردم می‌خواهند بدانند که چه کسانی از مدتی به این‌سو، برای رهایی اعضای تراز اول شبکه‌ی حقانی، شب و روز تلاش و رای‌زنی دارند.

پرچم ملی را نیمه‌برافراشته کردن راه حل نیست. ما نمی‌توانیم به پاس اشتباهات احمقانه‌ی رهبری نامشروع نظام دست به ریسمان پرچم ملی ببریم و در پی هر جنایتی پرچم پایین بکشیم.

تنها راه نجات از این وضعیت، کنار گذاشتن باور تمامیت‌خواهانه از سوی یک تیم بی‌ریشه و مافیای قدرت و ثروت در ارگ ریاست جمهوری است.

پ.ن: بلندتر از همیشه با پرچم ملی این نماد هویت میهنی‌مان. اگر مخالف تصمیم نمایشی اشرف‌غنی برای نیمه‌برافراشته شدن پرچم ملی هستید به اشتراک بگذارید و هم‌رسانی کنید.

پژوهش تازه؛ رابطه‌ی ازدواج و نجات از سرطان را روشن ساخت

اطلاعات روز: یک پژوهش در ایالات متحده‌ی امریکا نشان می‌دهد که شمار بیشتر افراد متأهل مبتلا به سرطان در مقایسه با همسالان مجردشان از شر تومورهای کشنده نجات می‌یابند.

این پژوهش دریافته که مردان مجرد ۲۷ درصد و زنان و دختران مجرد ۱۹ درصد بیشتر از هم سن‌وسالان متأهل‌شان در اثر ابتلا به سرطان تلف می‌شوند.

به نقل از صدای امریکا؛ خبرگزاری رویترز گزارش داده است که افراد متأهل عموماً بیمه‌ی خویشتر صحتی داشته و در محلات بهتری زندگی می‌کنند، اما بیماران مجرد از رهگذر این مزیت‌های معیشتی و تمویل آن در وضعیت چندان خوبی نبوده‌اند.

سکارلت لین گومز سرمحقق این پژوهش در دانشگاه کالیفرنیا به خبرگزاری رویترز گفته است که ظاهراً عامل بهبود وضعیت بیماران متأهل، بیشتر حمایت برتر اجتماعی و کمتر انزوای اجتماعی بوده است.

لین در جواب ایمیلی به رویترز گفته است «موجودیت یک سیستم قوی حمایتی می‌تواند تأثیر چشمگیری در نجات مبتلایان سرطان داشته باشد.»

گروه تحقیقاتی نزدیک به ۷۸۳ هزار بیمار مبتلا به سرطان را بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ مورد مطالعه قرار دادند که از آن جمله حدود ۳۸۷ هزار تن آنان تا سال ۲۰۱۲ در گذشتند.

پژوهشگران بر ده عامل مشترک مرگ بیمارانی تمرکز کردند که سرطان‌های خبیث و پیشرونده داشتند. زمانی که آنان به بیمه‌ی صحتی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی بیماران نگاه کردند، تلفات مردان مجرد ۲۲ درصد و مرگ‌ومیر زنان و دختران مجرد ۱۵ درصد بیشتر بوده است.

در آغاز این مطالعه، ۷۰ درصد مردان و ۵۱ درصد زنان متأهل بودند و تقریباً تمام آنان به‌نحوی

بیمه‌ی صحتی داشتند.

بیشتر بیماران مجرد سیاهپوستانی بودند که در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کردند، بیمه‌ی صحتی نداشتند، در مراحل پیشرفته‌ی بیماری مبتلا به سرطان تشخیص شده بودند و هیچ گونه تداوی جراحی یا شعاعی را دریافت نکرده بودند.

پژوهشگران این مطالعه در ژورنال سرطان نگاهشته‌اند که احتمالاً ویژگی‌هایی که منجر به ازدواج افراد شده است، چون سلامت فیزیکی و روانی در نجات بیماران متأهل دخیل بوده باشد.

ماریا الینا مارتینز، یکی از دستیاران این پژوهش می‌گوید که افراد مجرد مبتلا به سرطان باید از مزیت شبکه‌های حمایتی ماحول خود استفاده کنند، هر چند به گفته‌ی وی آنان، به‌ویژه مردان مجرد، همسر و فرزندی ندارند که پس از تشخیص سرطان آنان را حمایت مالی و روانی کنند.

بنابراین به گفته‌ی پژوهشگران، مردان در مقایسه با زنان بیشتر از مزایای اجتماعی ازدواج سود می‌برند. کترین پاورز جیمزف پژوهشگر روان‌شناسی در دانشگاه تگزاس می‌گوید که هرچند مردان و زنان مبتلا به سرطان شاید فکر کنند که بار دوش دیگران شده‌اند، اما به گفته‌ی وی زمانی که آنان تقاضای کمک می‌کنند، زنان بیشتر متمایل به

مدد‌رسانی و حمایت روانی به همسران‌شان‌اند. پاورز جیمز به خبرگزاری رویترز گفته است که بیماران مجرد که دوستان نزدیک ندارند، بیشتر در صدد کمک مسلکی روان‌درمان‌ها می‌برایند.

همه‌ی ازواج‌ها یکسان نبوده و تمام پیوندهای زناشویی در زمان بحران مساویانه مستحکم نیست. اما یافته‌های این پژوهش، ابعاد مثبت پیوندهای پایدار و تأثیر آن بر نجات بیماران را برجسته ساخته و نیز نشان می‌دهد که الزاماً پول و ثروت تنها عامل نجات از سرطان بوده نمی‌تواند.



اوباما خواستار باقی ماندن بریتانیا در اتحادیه‌ی اروپا شد

اطلاعات روز: باراک اوباما، رییس‌جمهور امریکا در آغاز دیدارش از بریتانیا بار دیگر حمایتش را از باقی ماندن این کشور در اتحادیه‌ی اروپا ابراز کرده است.

به نقل از بی‌بی‌سی، آقای اوباما در مقاله‌یی که در روزنامه‌ی دیلی تلگراف چاپ شده گفته است که عضویت بریتانیا در اتحادیه‌ی اروپا نفوذ و تأثیر این کشور را در جهان برجسته می‌کند.

رییس‌جمهور امریکا همچنین تأکید کرده که توانایی بریتانیا در جنگ با تروریسم در صورتی که با همکاری سایر کشورهای اتحادیه‌ی اروپا باشد «مؤثرتر» خواهد بود.

آقای اوباما گفته است که باقی ماندن بریتانیا در اتحادیه‌ی اروپا از نظر بازار کار و رشد تجاری و مالی برای این کشور منفعت خواهد داشت. رییس‌جمهور امریکا در بخش دیگری از این مقاله افزوده چنانچه بریتانیا اتحادیه‌ی اروپا را



یکی از مهاجمان حمله‌ی بروکسل «نگهبان گروگان‌های داعش بود»

اطلاعات روز: روزنامه‌نگارانی که گروگان گروه داعش بوده‌اند می‌گویند که یکی از بمب‌گذاران میدان هوایی بروکسل، پایتخت بلژیک در سوریه نگهبان آن‌ها بوده است.

به گزارش بی‌بی‌سی، یکی از وکلای نیکلا هنین، یکی از چهار روزنامه‌نگاری که در اسارت داعش بود، گفته است که او رسماً نجیم‌العشراوی را به‌عنوان یکی از نگهبانان گروگان‌ها شناسایی کرده است.

به گفته‌ی این وکیل گروگان‌ها نجیم‌العشراوی را به عنوان ابو ادریس می‌شناختند.

نیکلا هنین که ده ماه در سوریه در اسارت داعش بود گفته است که شکی ندارد که نجیم‌العشراوی یکی از نگهبانان او بوده است.

ماه گذشته نجیم‌العشراوی به همراه دو نفر دیگر به میدان هوایی بین‌المللی بروکسل و متروی این شهر حمله کردند که این حملات به کشته شدن ۳۲ نفر منجر شد.

مقامات قضایی بلژیک گفته‌اند که آقای عشراوی در فبروی سال ۲۰۱۳ میلادی برای پیوستن به نیروهای داعش به سوریه رفته بود.

دادستان بلژیک همچنین او را به مشارکت در حملات ماه نوامبر سال گذشته در پاریس متهم کرد که در جریان آن بیش از ۱۰۰ نفر کشته شدند.

عفو بین‌الملل:

ارتش نیجریه صدها نفر از شیعیان را کشته است

اطلاعات روز: سازمان عفو بین‌الملل، مدافع حقوق بشر در گزارشی که روز جمعه منتشر کرد، نوشته است بررسی‌ها نشان می‌دهد که نیروهای دولتی نیجریه در پایان سال گذشته‌ی میلادی در شهر زاریا به تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم شلیک کرده‌اند و در جریان این تیراندازی‌ها ۳۵۰ نفر از مسلمانان شیعه کشته شده‌اند.

بنا به این گزارش مأموران دولتی کشته‌شدگان را در گور جمعی دفن کرده‌اند.

به نقل از رادیو زمانه، یک سخن‌گوی ارتش نیجریه در مورد گزارش عفو بین‌الملل گفته است که پیروان جنبش اسلامی نیجریه به یک کاروان نظامی حمله کرده و قصد کشتن فرمانده نظامی را داشتند که با واکنش سربازان روبه‌رو شدند.

هشدار هلند به ترکیه در مورد دخالت در حق آزادی بیان

اطلاعات روز: دولت هلند به‌شکل رسمی نسبت به دخالت ترکیه در حق آزادی بیان در کشورش اعتراض کرد.

این هشدار از آن جهت صادر شده که قنصلگری ترکیه در روتردام با ارسال ایمیلی به انجمن‌ها و سازمان‌های ترک در هلند از آن‌ها خواسته بود تا هرگونه توهینی به رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهوری ترکیه را فوراً گزارش دهند.

به نقل از رادیو زمانه، برت کوندرس، وزیر امور خارجه‌ی هلند روز جمعه در این‌باره گفت از آزادی بیان باید محافظت کرد. او افزود در مورد مسائلی چون توهین تداپیر قضائی در هلند وجود دارد.

قنصلگری ترکیه خبر ارسال ایمیل به انجمن‌های ترک در هلند را یک «سوءتفاهم» خواند و گفت تماس گرفته‌شده توسط یک کارمند صورت گرفته و بد تعبیر شده بود. رجب طیب اردوغان به‌تازگی علیه یان بومرمان، مجری و طنزپرداز شبکه‌ی تلویزیونی ZDF (تئو) آلمان، شخصاً شکایت کرد. بومرمن در برنامه‌ی تلویزیونی خود در تاریخ ۳۱ مارچ شعری طنزآمیز و انتقادی از «ریاکاری‌های» رجب طیب اردوغان خواند و القاب تندبی به او نسبت داد و همین

موجب شد تا اردوغان از او شکایت کند. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان نیز با اعلام این‌که دولت در این مورد دخالتی نخواهد کرد و دستگاه قضائی به آن خواهد پرداخت، راه را برای محاکمه بومرمن هموار کرد.

راموس: اعتراض هواداران به رونالدو را درک می‌کنم

سوت زده‌اند، بر علیه دی استفانو، زیدان، من و خیلی‌های دیگر. معتقدم وقتی هواداران چنین واکنشی بر علیه یک بازیکن نشان می‌دهند، حتماً دلیلی دارد. آن‌ها با این کارشان به آن بازیکن نشان می‌دهند که باید بیشتر تلاش کند. باید به این مساله همیشه مثبت فکر کرد و به عنوان یک عامل محرک برای ارائه بازی‌های بهتر استفاده کرد.

فروش رونالدو: دوست ندارم به هیچ قیمتی رونالدو از رئال جدا شود. او کمی مصدوم شده اما امیدوارم به بازی با سیتی برسد چون به وجودش بی‌اندازه نیاز داریم.

پاسخ دیگو سیمئونه به اظهارنظر راموس

اظهارنظر کند اما نظر من خلاف نظر اوست. من همیشه راموس را تحسین کرده‌ام و سبک بازی او را می‌پسندم. بدون شک اگر بخوام تیم منتخب خودم را اعلام کنم، او جزو ۱۱ نفر انتخابی من خواهد بود.

مصدومیت گودین: خبر بدی برای ما بود چون گودین از مهم‌ترین بازیکنان اتلتیکو است با این حال چندان نگران نیستم چون به‌جای او بازیکن خوبی مثل خیمیز در اختیار دارم. امیدوارم دیگو هر چه زودتر خوب شده و به جمع ما بازگردد.

سوارز؛ بازگشت گاو خشمگین

درخشش سوارز در دیدار مقابل لاکرونیا از ابعاد دیگر نیز قابل توصیف است. در روزهایی که دو ضلع دیگر مثلث MSN، ضعیف‌ترین نمایش‌های خود را طی فصل اخیر نشان می‌دادند، سوارز توانست بار خط حمله بارسلونا را به تنهایی به دوش بکشد. ۲ پاس گل او برای نیمار و لیونل مسی، به خوبی نشان می‌دهد که این مهاجم اروگوئه‌ای چه‌گونه توانسته در یکی از حساس‌ترین بزنگاه‌های فصل، موتور تیمش را یک تنه روشن کند.

پس از انتقاداتی که از سوارز علی‌الخصوص در دیدار مقابل رئال مادرید و والنسیا شده بود، نمایش چهارشنبه شبش می‌تواند بازگشت دوباره مهاجم اروگوئه‌ای باشد. او پیش از این نیز توانسته بود در لیورپول، یک تنه تیمش را پیروز میدان‌های مختلفی کند اما اهمیت این مساله در تیمی هم‌چون بارسلونا که فوق ستاره‌هایی همچون لیونل مسی و نیمار را در اختیار دارد، قطعاً چند برابر می‌شود.

روشن شدن موتور سوارز این نوید را به هواداران بارسلونا می‌دهد که در ادامه فصل این تیم بتواند به موفقیت‌های در دسترس برسد. درخشش سوارز در راس مثلث MSN می‌تواند باعث شود تا مسی و نیمار نیز به روزهای آرمانی خود بازگردند. بارسلونا نشان داده مادامی که این مثلث مخوف در اوج باشد، هیچ مشکلی از بابت نتیجه‌گیری ندارد.

۴ دیدار مقابل خیخون، بتیس، اسپانیول و گرانا به همراه دیدار فینال جام حذفی مقابل سویا، دیدارهایی است که لوئیس سوارز این فرصت را دارد، حتی فراتر از مسی، نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. آمار سوارز در دیدار مقابل لاکرونیا پیش از این در بارسلونا تنها از بازیکنی همچون مسی دیده شده بود: ۹ شوت، ۴ گل، ۳ پاس گل، ۴ پاس کلیدی.

کریستیانو رونالدو فصل جاری را چندان خوب شروع نکرد و روند گول‌زنی‌هایش مثل فصول گذشته پیش نمی‌رفت.

به همین دلیل هواداران رئال در یکی دو بازی بر علیه او سوت زده و بدین وسیله اعتراض‌شان را به گوش وی رساندند. البته رونالدو پس از آمدن زیدان به رئال، هفته‌هاست که به روزهای اوج خود بازگشته و به همان ستاره محبوب برنابئو تبدیل شده است.

راموس در مصاحبه با کوپه و در پاسخ به سوالی در مورد اعتراض هواداران به رونالدو گفت: این مساله را خیلی خوب درک می‌کنم. در رئال بر علیه همه

سرخپو راموس کاپیتان رئال، پنج‌شنبه شب هفته گذشته، در مصاحبه با کوپه و در مورد سیمئونه اظهارنظر جالبی را مطرح کرد و گفت که این مربی دوست دارد همیشه خود و تیمش را قربانی جلوه دهد. اشاره راموس به مصاحبه سیمئونه در تابستان ۲۰۱۵ بود که کنایه زده بود داوری‌ها در فصل جدید به نفع رئال خواهد بود تا این تیم قهرمان لالیگا شود.

سیمئونه در نشست خبری دیروز خود در واکنش به گفته‌های راموس گفت: هر کسی آزاد است هر طور که می‌خواهد

درخشش خیره‌کننده لوئیس سوارز بار دیگر بارسلونا را تبدیل به جدی‌ترین مدعی کسب عنوان قهرمانی رقابت‌های لالیگا کرد.

در شرایطی که بسیاری منتظر بودند نسخه بارسلونا در ریزاوی پیچیده شود و این تیم صدر جدول رقابت‌های لالیگا را نیز از دست دهد، بارسلونا در شبی خیره‌کننده موفق شد با ۸ گل حریف به ظاهر دشوارش را در هم بشکند. پیروزی ارزشمندی که باعث شد این تیم پس از ۳ شکست پیاپی در رقابت‌های لالیگا، بار دیگر خودش را به عنوان جدی‌ترین مدعی کسب عنوان قهرمانی مطرح کند.

درخشش خیره‌کننده بارسلونا اما بیش از هر چیزی به عملکرد غیر معمولی لوئیس سوارز، مهاجم اروگوئه‌ای، مربوط می‌شد. بازیکنی که با ۴ گل و ۳ پاس گل، نشان داد چه‌گونه می‌توان در فوتبال مدرن یک تنه تیم را پیروز میدان کرد. با این حال این درخشش خیره‌کننده مهاجم اروگوئه‌ای در شرایطی رخ داد که این بازیکن در ۳ بازی گذشته تیمش در رقابت‌های لالیگا موفق به گول‌زنی نشده بود. ۳ بازی که او را به شدت در رقابت با کریس رونالدو برای کسب عنوان آقای گولی، عقب انداخته بود.

لوئیس سوارز اما چهارشنبه شب با به ثمر رساندن ۴ گل در دیدار مقابل لاکرونیا توانست علاوه بر نزدیک‌تر کردن خود به کریس رونالدو در جدول گول‌زنان رقابت‌های لالیگا، از رکورد ۴۷ گل رونالدو نازاریو در فصل ۹۷-۹۶ نیز عبور کند. سوارز با زدن ۴۹ گل در فصل جاری در تمامی رقابت‌ها توانست کریس رونالدو را نیز تا این‌جا از پیش رو بردارد. علی‌رغم این‌که او ۱ گل از رونالدو در لالیگا کمتر به ثمر رسانده اما در تمامی رقابت‌ها توانسته خودش را ۲ گل از فوق ستاره پرتگالی جلوتر قرار دهد.

ورزش

فابریگاس: فوتبال بازی کردن را فراموش کرده بودم

سسک فابریگاس، هافبک چلسی عنوان کرد که فراموش کرده چه‌گونه فوتبال بازی کند.

مدافع عنوان قهرمانی عملکرد بسیار ضعیفی در این فصل داشته است. در اوایل فصل آن‌ها در منطقه سقوط قرار داشتند و با وجود تغییرات در کادر فنی، هنوز شرایط مطلوبی ندارند. فابریگاس که از بهترین‌های فصل گذشته باشگاه بود، این فصل سایه‌ی از خود نبوده و حال عنوان کرد که یادش رفته چه‌گونه فوتبال بازی کند.

او گفت: یک بار پس از بازی با بورنموث (که چلسی ۰-۱ شکست خورد)، با همسرم صحبت می‌کردم. به او گفتم که فوتبال بازی کردن را فراموش کرده‌ام. توپ در اختیار من بود ولی نمی‌دانستم با آن چه کار کنم. آن دو سه ماه خیلی سخت بود. هیچ اعتماد به نفسی نداشتم. با حضور هیدینک همه چیز در طول چند ماه اخیر عوض شده است. حالا من خوب بازی می‌کنم. از همه مهم‌تر این‌که وقتی زمین خوردم، نیفتادم بلکه توانستم بار دیگر بلند شوم. حالا می‌توانم بهتر هم باشم.

فابریگاس درباره قهرمان این فصل گفت: دوست دارم لستر قهرمان شود. کاری که آن‌ها انجام داده‌اند بی نظیر است. شهامت و شور و هیجان بسیار زیادی می‌خواهد.

گودین، غایب بزرگ اتلتیکو مقابل بایرن مونیخ

دیگو گودین، رهبر خط دفاعی اتلتیکو، چهارشنبه شب تنها ۱۰ دقیقه توانست برابر بلبائو بازی کند و به دلیل مصدومیت مزمن همسترینگش، مجبور به ترک زمین شد. باشگاه اتلتیکو روز پنج‌شنبه مصدومیت ستاره اروگوئه‌ی خود را تایید کرده بود. تیم پزشکی این باشگاه نیز دیروز گزارش داد که گودین از ناحیه همسترینگ ران پای راست مصدوم شده و به مدت ۱۰ تا ۱۵ روز به دور از میداين باقی خواهد ماند. بدین ترتیب او بازی روز سه شنبه برابر بایرن مونیخ در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان را از دست خواهد داد اما امیدوار است بتواند به بازی برگشت برسد. این خبر خوبی برای سیمئونه نیست که بهترین مدافعش را در بازی رفت برابر بایرن مونیخ در اختیار نخواهد داشت. گودین نزدیک به دو ماه پیش در بازی برابر آیندهوون نیز از همین ناحیه مصدوم و یک ماه به دور از میداين مانده بود.

زیدان: رونالدو می‌خواهد برابر رایو بازی کند!

در حالیکه تیم پزشکی رئال مادرید حضور رونالدو در بازی امروز برابر رایو را منع کرده اما این بازیکن دوست دارد در وایکاس به میدان برود.

رونالدو چهارشنبه شب برابر ویارئال از ناحیه ران پای راست دچار مصدومیت عضلانی شد و دیروز تیم پزشکی رئال در گزارشی اعلام کرد که او نباید در بازی مقابل رایو حضور داشته باشد اما مقابل سیتی مشکلی نخواهد داشت.

زیدان در نشست خبری دیروز خود فاش ساخت که رونالدو می‌خواسته برابر رایو بازی کند اما او مانع وی شده است: رونالدو فردا بطور حتم ما را همراهی نخواهد کرد چون MRI او نشان می‌دهد که حضورش برابر رایو یک ریسک بزرگ است. کریس خودش به شدت دوست دارد بازی کند اما من این اجازه را به وی ندادم.

هنوز مشخص نیست که به بازی با سیتی هم برسد یا خیر. باید شرایط او را از فردا تا چهارشنبه تحت نظر داشته باشیم و بهترین تصمیم را بگیریم. تصمیمی که به ضرر او نشود. خوش‌یختانه مصدومیتش چندان جدی نیست اما حتی اگر بازی مقابل رایو یک فینال بود نیز از او استفاده نمی‌کردم.

مشکل این‌جاست که رونالدو دوست دارد در همه بازی‌ها حضور داشته باشد. او یک بازیکن بدون جانشین است و این را آمارهایش نشان می‌دهند. برخی مواقع نیاز است که رونالدو استراحت کند ولی او دوست دارد همیشه به میدان برود. البته این انگیزه و شوق او برای بازی می‌تواند الگوی خوبی برای سایر بازیکنان باشد و داشتن چنین بازیکنی یک نعمت است. او بازیکن فوق‌العاده مهمی برای ماست و از وی خواسته‌ام که تمام تمرکزش را روی بازی با سیتی بگذارد.

رایو: بازی بسیار دشواری پیش رو داریم. زمین این تیم کوچک است و می‌دانم که به سختی ما را پرس خواهد کرد. به خصوص دقایق اولیه این بازی دشوار خواهد بود. برای این مسابقه آماده‌ایم و هدف ما گرفتن سه امتیاز از تیمی است که فوتبال خوبی ارائه می‌دهد.

دودک: می‌خواستم بنیتس را با مشت بزنم!

واقعاً با شما صادق باشم، تصمیم گرفتم که با مشت به صورت او بزنم. ولی پس از آن پیش خودم گفتم «ایا اجازه جدایی به من خواهد داد؟ یا یک رسوایی بزرگ در رسانه‌ها مطرح خواهد شد؟» مشخصاً اگر با مشت او را می‌زدم نمی‌توانستم در تیم بمانم.

نمی‌دانم چطور ولی توانستم خودم را کنترل کنم. مشت زدن به سرمربی لیورپول که چند ماه قبلش قهرمان اروپا شده بود، جلوه خوبی در رسانه‌ها نمی‌داشت ولی من همچنان عصبانی بودم. فکر می‌کنم او رفتار ناعادلانه‌ی با من داشت ولی این نحوه مدیریت رافاست. او خیلی سرد هر کاری را انجام می‌داد، تقریباً می‌توان گفت غیر انسانی. زیرا همه چیز را مثل یک تجارت می‌بیند. او باید از خواسته‌هایش دفاع کند ولی در پایان، رسیدن به خواسته‌هایش همواره سخت است.

راموس:

پیکه دست از رفتارهای کودکانه بردارد

شخصی‌ام حفظ شود.

راموس سپس به انتقاد از دیگو سیمئونه، سرمربی اتلتیکو که تابستان گذشته کنایه زده بود در این فصل (از لحاظ داوری) همه چیز برای قهرمانی رئال مهیاست پرداخت و گفت: من یکی از تحسین‌کنندگان سیمئونه هستم. او مربی است است که ایده‌هایش را به تیمش تحمیل می‌کند و حداکثر توانایی‌های بازیکنانش را استخراج می‌کند اما از برخی گفته‌های او خوش نمی‌آید. این‌که او خودش و تیمش را همیشه مظلوم جلوه می‌دهد کار چندان درستی نیست.

فلورنتینو پرز: او بهترین رئیس برای رئال مادرید است و برای من حکم پدر را دارد.

اسمیت: ونگر دیگر نمی‌تواند تیم را پیشرفت دهد

این باشگاه است.

وقتی جرج گراهام سرمربی باشگاه بود، ۸ سال برایش بازی کردم و نحوه صحبت کردن و تویخ‌های شدیدش را می‌دیدم. ونگر در طول ۲۰ سال خوب کار کرده ولی «خوشبینی» و هیجان، فصل آینده وقتی که سوت شروع مسابقات زده شد و دیگر باشگاه‌ها با مربیان جدید خود کار را شروع کردند، در داخل ورزشگاه ما خواهد بود؟ فکر می‌کنم بازیکنانی که در اختیار ونگر هستند، هماهنگی خوبی با هم ندارند ولی در هر صورت فکر می‌کنم افراد دیگری هستند که بتوانند بهتر از آرسن ونگر از این تیم بازی بگیرند.

برای مثال دیگو سیمئونه قادر به چنین کاری است. اگر او هدایت تیم را بر عهده داشته باشد، آرسنال تیم سرسخت‌تری می‌شود. این یک نظر عادلانه است زیرا او تیم را فولادی می‌کند. آرسن ونگر مربی کاملاً متفاوتی نسبت به اوست.

ونگر: عجیب است که اوزیل در تیم برتر نبود

شده‌اند و ونگر از این موضوع متعجب است. او گفت: این لیست واقعاً باعث تعجب من شد. بازیکنان به این لیست رای دادند. نمی‌دانم چرا اوزیل انتخاب نشده است. وقتی شما بهترین پاس گول دهنده لیگ هستید، معمولاً نشان از کیفیت شما دارد و باید در تیم برتر باشید.

ونگر در ادامه به تمجید از هکتور بیرین پرداخت و گفت: نکته مثبت این فصل، ثبات برین بود.

یرزی دودک، دروازه‌بان سابق لیورپول عنوان کرد که در دورانی که قصد جدایی از لیورپول را داشته، به حدی از بنیتس عصبانی بوده که می‌خواسته با مشت به صورت او بزند!

دروازه‌بان سابق تیم ملی لهستان ۸ ماه پس از این‌که با درخشش فوق‌العاده‌اش، سرخ‌ها را قهرمان اروپا کرد، در لیورپول نیمکت نشین شده بود و به دنبال جدایی بود. په‌په رینا انتخاب اول بنیتس بود و دودک به دنبال جدایی از باشگاه، با باشگاه کلن آلمان به توافق رسیده بود. با این حال، بنیتس در آخرین روز نقل و انتقالات مانع انتقال او شد و گفت که به دودک نیاز دارد. دودک در این رابطه گفت: از دستش واقعاً عصبانی بودم و در سرم صدایی شیطانی می‌شنیدم که می‌گفت: با مشت به صورت او بزن، با مشت به صورت او بزن و او به تو اجازه می‌دهد به آلمان بروی. اگر بخوام

سرخپو راموس، کاپیتان رئال مادرید در مصاحبه با شبکه رادیویی کوپه به انتقاد از رفتارهای اخیر جرارد پیکه پرداخت. در یکی دو ماه اخیر، جدال لفظی شدیدی بین پیکه و آرنلوا از طریق توئیتر درگرفته و این دو از هر فرصتی برای نیش و کنایه زدن به یک‌دیگر استفاده می‌کنند. این اتفاق به خصوص در روزهای منتهی به ال کلاسیکو و پس از آن شدت گرفت.

راموس در همین رابطه به کوپه گفت: من رابطه خوبی با پیکه دارم اما معتقدم او باید از برخی رفتارهای کودکانه خود دست بردارد. اتفاقاتی که بین او و آرنلوا افتاده است را تایید نمی‌کنم. در مصاحبه پریسکوپی با پیکه شرکت خواهم کرد؟ من همواره دوست داشته‌ام حریم

آلن اسمیت، اسطوره باشگاه آرسنال معتقد است که آرسن ونگر دیگر نمی‌تواند این تیم را به جلو حرکت دهد. مهاجم سابق توپ‌چی‌ها، ورزشگاه هایبری را سال ۱۹۹۵ ترک کرد و فصل بعد از آن، ونگر هدایت تیم را بر عهده گرفت. تیم ونگر روز گذشته با کسب پیروزی مقابل وست بروم به فاصله ۱۰ امتیازی صدر جدول رسید ولی اسمیت معتقد است که ونگر دیگر نمی‌تواند این تیم را پیشرفت دهد و زمان جدایی‌اش فرا رسیده است.

او گفت: مسلماً ونگر نمی‌خواهد پس از دستاوردهایی که با باشگاه داشته، دچار سقوط شود ولی همیشه این را گفته که اگر حس کند نمی‌تواند تیم را پیشرفت دهد، کنار می‌کشد. آیا او می‌تواند تیم را پیشرفت دهد؟ من خیلی شک دارم و مطمئنم خیلی افراد دیگر هم با من هم‌عقیده هستند. او مدت‌هاست که در

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال عنوان کرد که از عدم حضور اوزیل در لیست بهترین بازیکنان فصل جاری تعجب کرده است. اوزیل در جدول پاس گل، با ۱۸ پاس صدرنشین است و ۶ گل نیز به نام خود به ثبت رسانده ولی در این لیست قرار نگرفته است. اوزیل ۶ پاس گل بیشتر از اریکسن به ثبت رسانده ولی به جای او در این پست از هافبک تاتنهام استفاده شده است. همچنین کانتته، دله آلی، پایه و محرز نیز به اوزیل ترجیح داده



ام تی ان آسان

سیمکارت جدید با یک نرخ به تمام شبکه های داخلی و ۱۰۰ ام بی اینترنت رایگان

سیمکارت ام تی ان آسان را خریداری نموده و به تمام شماره های شبکه های داخلی دقیقه صرف در بدل ۲,۴ افغانی تماس بگیرید و بر علاوه از این ۵۰ افغانی کرایه و ۱۰۰ ام بی اینترنت رایگان را نیز از آن خود سازید. همچنان شما میتوانید به تمام شماره های داخلی هر پیام کتبی را صرف در بدل ۱,۵ افغانی ارسال نموده و از هر یک ام بی اینترنت در بدل ۱ افغانی مستفید شوید.

برای تبدیلی بسته فعلی خویش به ام تی ان آسان #۷۷۴* را صرف در بدل ۱۵ افغانی دایل نمایید.

برای مشاهده کردن ۵۰ افغانی کرایه رایگان #۷۸۹*۱ را دایل نمایید. برای مشاهده کردن ۱۰۰ ام بی اینترنت رایگان #۷۸۹*۴ را دایل نمایید.



برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ در تماس شوید. ثبت و رجستر سیمکارت حتمی میباشد.
www.mtn.com.af | MTN Afghanistan | @MTNAF
LinkedIn | MTN Afghanistan | MTNAF

با شما در همه جا

سریع ترین اینترنت - نازلترین قیمت

۱ جی بی در بدل ۲۰ افغانی



برای اشتراک: **N1GB** را به ۱۵۱ ارسال نمایید

این پیشکش شبانه از ۳۱ حمل الی ۱۳ ثور ۱۳۹۵ قابل اعتبار میباشد



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

برای لغو اشتراک: DN1GB را به ۱۵۱ ارسال نمایید.

مدت اعتبار این بسته ۲۴ ساعت بوده و از ساعت ۱۱ شب الی ۷ صبح قابل استفاده میباشد

۱۵۲